

بسته‌های محتوایی یادمان‌ها

اروند کنار



پایگاه جامع راویان کشور

معاونت پژوهش و مطالعات راهبردی
موسسه روایت سیره شهدا
ravayatgar.net



سبعین احادیث

ravayatgar.net

معرفی تفصیلی یادمان اروندرود (الفجر ۸)

معرفی

اروندرود یا شط العرب رودخانه پهناوری است در جنوب غربی ایران و در مرز ایران و عراق که از هم ریزش رود های دجله، فرات و سپس کارون پدید آمده است. دجله و فرات پیش از پیوستن به کارون در شهر قرنه در ۳۷۵ کیلومتری جنوب بغداد به هم می پیوندند. درازای اروندرود از قرنه تا ریزشگاه آن در خلیج فارس ۱۹۰ کیلومتر است. ریزشگاه اروندرود در میان شهر ایرانی اروندکنار و شهر عراقی فاو است. اروندرود یکی از عریض ترین رود های قابل کشتی رانی دنیا به شمار می رود که هر چه رو به جنوب می رود پهن تر و عمیق تر می شود .

موقعیت استراتژیکی و تجاری اروندرود موجب شده تا از سده های پیشین، این رود مورد منازعه دولت ایران و عثمانی قرار گیرد. کشف نفت در خانقین و بعد در خوزستان اهمیت اروندرود را مضاعف ساخت. اگر پیش از کشف نفت، دو دولت همسایه و ذی نفع ایران و عثمانی به دلیل دسترسی به خلیج فارس که از طریق بندر بصره بر سر آن اختلاف داشتند و در قرارداد های بین دو دولت مثل ارز روم مورد توجه واقع گردیده بود، با کشف نفت و تضعیف عثمانی قدرت های بزرگ یعنی انگلیس و روسیه نیز به مداخله در آن همت گماشتند. البته دخالت روسیه، مداخله مستقیم نبوده بلکه به دلیل اشتراک منافع با انگلستان، از آن به عنوان وجه المصلحه بهره می گرفت.

روزنامه رسالت، شماره ۶۸۶۶ به تاریخ ۸۸/۹/۱۱، صفحه ۹ (تاریخ)

اروندرود بر گرفته از سایت مگ ایران بخش روزنامه رسالت به لینک زیر

عملیات های مرتبط با یادمان اروندرود (الفجر ۸)

در زمان جنگ ایران و عراق عملیات والفجر ۸ با گذشتن از این رود به وقوع پیوست.

معرفی عملیات والفجر ۸

دلیل انجام عملیات * معرفی عملیات * اهداف عملیات * نتایج عملیات * اتفاقات عملیات * پیامدها

دلیل انجام عملیات

پیروزی‌های جمهوری اسلامی با فتح خرمشهر به اوج خود رسید، غرب به منظور فراهم آوردن شرایط مناسب در تحمیل صلح و سازش به جمهوری اسلامی، تلاش اصلی را معطوف بر حفظ صدام کرد. بدین ترتیب از یک سو پافشاری و تصمیم قطعی غرب مبنی بر حفظ صدام و از سوی دیگر، عزم راسخ جمهوری اسلامی جهت حصول به اهداف حقه خود در جنگ و تسلیم نشدن در برابر فشارهای همه جانبه استکبار، به نوعی، حالت نه جنگ، نه صلح را میان طرفین حاکم کرد. در واقع حفظ صدام و بازداشتن ایران از پافشاری روی آرمان‌های خود، برقراری موازنه قوا بود. از این رو افزایش و تقویت توانایی‌های تکنولوژی عراق به ویژه نیروی هوایی، در دستور کار استکبار قرار گرفت و به دنبال آن دشمن سعی کرد فضا را به طور مطلق در اختیار بگیرد تا شاید به این وسیله به لحاظ ضعف‌های متعددی که داشت، صحنه جنگ را از میدان رزم زمینی به آسمان، دریا و شهرها بکشاند.

گذشته از استراتژی غرب و حمایت‌های همه جانبه علمی و نظیر از رژیم عراق، رژیم بعثی نیز تمامی توان خود را در جهت پشتیبانی و پاسخ گویی به نیازهای جنگ قرار داد.

اجتناب از جنگ در زمین مسطح - پس از عملیات‌های والفجر مقدماتی و والفجر ۱۰ - و در پی آن ابتکار عملیات در هورالهوریزه طی دو عملیات بزرگ خیبر و بدر - به خصوص خیبر - موجب انفعال رژیم عراق و ایجاد نگرانی در میان حامیان منطقه‌ای و بین‌المللی او گردید، و متقابلاً جمهوری اسلامی ایران که ابتکار عمل و برتری سیاسی و نظامی را همچنان در دست داشت، زمینه عملیات بعدی را با استفاده از تجربه عملیات در هور فراهم نمود.

در این میان، عاملی که موجب شد طراحان نظامی در انتخاب منطقه بعدی برای عملیات دقت بیشتری به عمل آورند، این بود که هیچ یک از عملیات‌های انجام شده پس از فتح خرمشهر دارای نتایجی نبود که قادر باشد برتری تعیین کننده‌ای را نصیب ایران کند. از این رو، لازم بود حرکت جدیدی در صحنه جنگ انجام شود که با آنچه از اول جنگ تا آن زمان به وقوع پیوسته بود، متفاوت باشد و فرماندهان نظامی عراق

نیز از پیش بینی آن ناتوان باشند. این حرکت، عبور از رودخانه عریضی همچون اروند و تسخیر منطقه مهم شبه جزیره فاو بود.

معرفی عملیات

معرکه کمرشکن

عملیات والفجر ۸ در ششمین سال جنگ تحمیلی و در روز ۲۰ بهمن سال ۱۳۶۴ در مرز جنوبی استان خوزستان و در جنوب جزیره آبادان، در منطقه فاو، در آن سوی رودخانه اروندرود، محدود به منطقه رأس البیشه و خور عبدالله صورت گرفت. این عملیات در منطقه بسیار حساسی انجام شد، زیرا از یک طرف در مرز اروندرود قرار داشت که رژیم بعثی عراق به بهانه تسلط بر آن، جنگ با ایران را آغاز کرده بود و از طرفی در تنها مسیر ارتباطی کشور عراق با دریای خلیج فارس قرار داشت و ارتباط بندر ام القصر را از طریق خور عبدالله با خلیج فارس برقرار می کرد.

از سوی دیگر تنها اسکله های نفتی عراق به نام های البکر و الامیه در محدوده این منطقه قرار دارند. زمین منطقه عملیات نیز یکی از زمین های پیچیده جنگی و عملیاتی، در آن زمان بود، به طوری که شامل انواع عوارض زمین از جمله رودخانه، نهر، نخلستان، باتلاق، چولان، جاده، روستا، شهر، ساحل، نمک زار، دشت، اسکله و بندر می شد. برای طراحی عملیات در این منطقه، علاوه بر آن که باید توانایی های دشمن را در نظر گرفت باید جنگ با عوارض طبیعی زمین را نیز مورد توجه قرار داد؛ عوارضی مانند رودخانه، نهر، نخلستان، باتلاق و ... همچنین طراح عملیات باید جنگ با عوارض مصنوعی ایجاد شده در زمین را هم مد نظر قرار می داد، عوارضی مانند انواع موانع، سیم خاردار، میله های خورشیدی شکل و میدان های مین. از طرفی تاکتیک سپاه در طرح ریزی عملیات، پرهیز از تک جبهه ای و تلاش برای دور زدن دشمن و یا نفوذ عمیق و ایجاد رخنه گسترده در خطوط دشمن بود، لذا طرح ریزی عملیات با توجه به محدودیت های نحوه تدارک نیروها و نیز چگونگی انجام پشتیبانی از نیروهای عمل کننده به دلیل محاصره بودن زمین منطقه عملیات از سوی رودخانه اروندرود از سویی و نیز دریای خلیج فارس از سوی دیگر، یکی از پیچیده ترین طرح ریزی های نظامی و تاکتیکی محسوب می شد. اگر برتری هوایی ارتش بعثی و نیز قدرت تحرک و توان جا به جایی یگان های دشمن نیز بر مشکلات فوق افزوده شود، برنامه ریزی و طراحی چنین عملیاتی از اطلاعات بسیار دقیق و به هنگام و نیز از طرح مانور درخور و مناسبی حکایت

می‌کند. با مطالعه بر روی نحوه برنامه ریزی و چگونگی انجام عملیات والفجر ۸، مشخص می‌شود فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی توانسته‌اند با استنباط صحیح از وضع دشمن، این عملیات را طراحی و به اجرا در آورند. بنابراین، پیاده کردن دانش و خبرگی فرماندهان این عملیات می‌تواند کمک شایانی به مدل سازی آن و توسعه بازی جنگ و سناریو سازی برای نبردهای احتمالی آینده کند.

اهداف عملیات

مهم‌ترین هدف این عملیات، دستیابی به یک پیروزی قاطع از نظر نظامی در آن شرایط زمانی در جبهه های جنگ بود تا بدین وسیله دولتمردان و سیاستمداران کشور برای حل مسأله جنگ و پایان دادن به نبردها از راه سیاسی، بتوانند از قدرت مانور بیشتری برخوردار شوند. آقای هاشمی رفسنجانی در صفحه ۸۸ کتاب «بی‌پرده با هاشمی رفسنجانی» می‌گوید: فاو عملیاتی بود که برای ختم جنگ طراحی کرده بودیم. هدف هم این بود که از جاده ساحلی به ام‌القصر برویم.

بنابراین انجام نبرد فاو در آن شرایط زمانی، مورد نیاز مسئولان کشور بود و اجرای عملیات والفجر ۸، می‌توانست روحیه جدیدی را برای فرماندهان و طراحان عملیاتی به وجود آورده و موجب نشاط رزمی در آنان شده و همچنین قدرت دفاعی و عملیاتی رزمندگان اسلام را بالا برده و یک بار دیگر نشان دهد به کارگیری ابتکار عمل، قدرت و تفکر و کسب اطلاعات صحیح از دشمن می‌تواند برتری در صحنه نبرد را به همراه داشته باشد و دشمن را منفعل کند. از طرفی به لحاظ موقعیت جغرافیایی شمال خلیج فارس و منطقه فاو عملیات والفجر ۸ از اهداف سیاسی و نظامی ویژه ای برخوردار بود که مهم‌ترین نتایجی که از آن حاصل شد، عبارت بودند از:

- ۱- تصرف شهر فاو و تأسیسات بندری آن
- ۲- تصرف بخش انتهایی اروندرود و تسلط بر قسمتی دیگر از آن
- ۳- تأمین خور موسی و امکان تردد کشتیرانی امن به بندر امام خمینی (ره)
- ۴- تهدید بندر ام‌القصر، محل استقرار ناوگان نیروی دریایی عراق
- ۵- تأمین امنیت کشتیرانی در شمال خلیج فارس و کمک به امنیت جزیره خارک
- ۶- انهدام HY2 در رأس البیشه و یا تصرف سکوهای پرتاب موشک‌های ضد سطحی

۷- انسداد مسیر تردد ناوگان نظامی و تدارکاتی رژیم بعثی عراق به خلیج فارس از طریق خور عبد الله

۸- ایجاد فشار روانی بر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس برای قطع حمایت‌های مالی، نظامی، سیاسی و تبلیغاتی از رژیم صدام.

روش‌های اعمال غافلگیری

برای پیروزی در هر نبردی غافلگیر کردن دشمن و فریب وی یکی از اصول اساسی و عوامل مهم رسیدن به موفقیت است. به میزان اهمیت هر عملیات و نیز شرایط برتری دشمن، رعایت اصل غافلگیری می‌تواند کمک زیادی به رسیدن به نتایج مطلوب کند. دشمن باید هم در تشخیص مکانی که قرار است نبرد در آن صورت گیرد غافلگیر شود و هم از زمان وقوع آن اطلاع نیابد و هم نباید از تاکتیک‌ها و روش‌های عملیاتی که قرار است در درگیری از آن استفاده شود، آگاهی یابد. بنابراین قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) برای غافلگیر کردن دشمن اقدام‌های زیر را انجام داد:

طرح ریزی عملیات فریب

از آنجا که قبلاً نبردهای خیب و بدر در منطقه هورالهویزه از سوی رزمندگان اسلام انجام شده بود لذا با تشکیل قرارگاهی به نام «قرارگاه عملیات فریب» به دشمن نشان داده شد که عملیات بزرگ بعدی قوای اسلام در این منطقه صورت خواهد گرفت. بدین منظور رفتارها به گونه‌ای تنظیم شد که شواهد و قرائن تک، به دشمن نشان داده شود. لذا اقدام‌های زیر صورت گرفت:

الف) نقل و انتقال تجهیزات نظامی و نیروهای رزمنده در شرایط علنی و نیز استتار شده و ستون کشی‌های ظاهری و مکرر به خصوص چند روز قبل از آغاز عملیات والفجر

ب) تقویت خطوط اول و استقرار نیروهای اطلاعات عملیات به منظور برخورد و دستگیری نیروهای نفوذی و اطلاعاتی دشمن

ج) استقرار سایت موشکی پدافند هوایی هاگ در منطقه عمومی هور که به مفهوم آمادگی قوای اسلام برای یک عملیات جدید است

د) اقدام به شناسایی مواضع دشمن و کسب اطلاعات از یگان‌های ارتش بعثی مستقر در این منطقه

برنامه ریزی برای اجرای تک پشتیبانی

از آنجا که قرار بود همزمان با عملیات سپاه در منطقه فاو، ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز در هر منطقه ای که می‌تواند با لشکرها و تیپ‌های سازمانی خود به انجام تک مستقل بپردازد، به طرح ریزی عملیات اقدام کند، بنابراین تک در محور شلمچه و منطقه جزابه که در دستور کار ارتش قرار گرفته بود به عنوان تک پشتیبانی برای عملیات سپاه در فاو، محسوب می‌شد. البته اجرای عملیات سپاه در فاو هم، نقش تک پشتیبانی برای عملیات ارتش را ایفا می‌کرد. قرار بر این بود که عملیات در هر یک از محورهای ارتش و سپاه که موفق شد به عنوان تلاش اصلی قلمداد شده و محور بعدی به عنوان تک پشتیبانی محسوب شود. از آنجا که پیشروی در محور شلمچه به دلیل نزدیکی آن به شهر بصره برای دشمن بسیار خطرناک تلقی می‌شد، بنابراین چنانچه یگان‌های ارتش می‌توانستند خط اول دشمن در این ناحیه را به تصرف خود درآورند، باعث عدم جا به جایی فوری واحدهای ارتش بعثی به سمت منطقه تلاش اصلی می‌شد. البته، متأسفانه تک ارتش در شلمچه قرین موفقیت نشد.

طرح ریزی عملیات محدود

فرماندهی کل سپاه با به کارگیری بخشی از توان یگان‌هایی که در مرحله اول عملیات والفجر ۸ برای آن‌ها مأموریتی پیش بینی نشده بود در منطقه‌ام الخصب واقع در رو به روی شهر خرمشهر و جزیره بواین واقع در خاک عراق، عملیاتی را طراحی کرد تا یگان‌های دشمن در این منطقه را درگیر نگه داشته و از امکان اعزام فوری آن‌ها به منطقه اصلی عملیات در جبهه فاو جلوگیری کند. لازم به ذکر است که بلافاصله پس از آغاز عملیات در منطقه فاو، این یگان‌ها به آن ناحیه اعزام شدند.

عملیات حفظ اطلاعات

از آنجا که باید آماده سازی منطقه تلاش اصلی عملیات که در فاصله ۸۰ کیلومتری جنوب شرقی آبادان قرار داشت برای دشمن پوشیده باقی می‌ماند، لذا شدیدترین تدابیر حفاظت اطلاعات از منطقه خسرو آباد تا دهانه اروند رود از یک سو و از شبه جزیره آبادان تا بهمن شیر از سوی دیگر، برنامه ریزی و به مرحله اجرا درآمد. بدین منظور واحدهای دژبانی در تمام مسیرهای ورود به منطقه مستقر شد و از تردد یگان‌ها و رزمندگانی که حضورشان در این ناحیه ضروری نبود جلوگیری می‌کردند و برای عبور خودروهای مهندسی و یا تجهیزات جنگی و یا فرماندهان تاکتیکی فقط عبور با کارت تردد ویژه امکان پذیر می‌بود.

البته قبل از آن همه فرماندهان قرارگاه‌ها و لشکرها و تیپ‌ها و سایر یگان‌های پشتیبان خدمات رزمی، توجیه شده بودند که برای تردهای ضروری با استفاده از تاریکی شب و با چراغ خاموش و با کمترین سر و صدا به انجام مأموریت خود بپردازند. لازم به ذکر است که با استفاده از این تدابیر ظرف سه ماه بزرگ‌ترین عملیات مهندسی که در شرایط عادی به دو سال وقت نیاز داشت، برای آماده کردن شرایط عملیات در مناطق نزدیک به خط تماس، انجام گرفت

کنترل اطلاعاتی دشمن

به منظور مراقبت از شرایط دشمن و اطمینان از غافلگیر بودن وی، واحدهای اطلاعات عملیات با استفاده از دکل‌های بلند دیده بانی که در منطقه وجود داشت به طور مرتب دشمن را زیر نظر قرار داده و تغییرات آرایشی و آمادگی وی را کنترل می‌کردند. از طرفی با در اختیار گرفتن عکس هوایی از منطقه فاو که توسط هواپیماهای RF4، صورت می‌گرفت امکان بررسی بیشتر دشمن فراهم می‌آمد. تمام اقدام‌های تاکتیکی دشمن رصد می‌شد و میزان حجم آتش‌های وی بر روی نقشه و در یک منحنی ثبت می‌شد تا تغییرات معنی دار آن از نظر هوشیاری دشمن مورد ارزیابی قرار گیرد.

پنج روز قبل از آغاز عملیات، اطراف قرارگاه مرکزی خاتم الانبیاء(ص) از سوی هواپیماهای دشمن بمباران شد. برخی از فرماندهان این بمباران را ناشی از لو رفتن عملیات و به هم خوردن غافلگیری ارزیابی می‌کردند ولی با بررسی‌های بیشتر معلوم شد که هواپیماهای ارتش بعثی برای حمله به نفتکشی در خلیج فارس که نفت صادراتی ایران را حمل می‌کرد، اعزام شده بودند که در بازگشت از مأموریت، بمب‌های مصرف نشده را به طور اتفاقی در میان نخلستان‌های ایران رها کرده‌اند. چنانچه این کنترل اطلاعاتی وجود نداشت ممکن بود به اشتباه این اقدام دشمن، تفسیر غلط شده و باعث تأثیر بر روی عملیات شود.

عملیات والفجر ۸ در ششمین سال جنگ تحمیلی و در روز ۲۰ بهمن سال ۱۳۶۴ در مرز جنوبی استان خوزستان و در جنوب جزیره آبادان، در منطقه فاو، در آن سوی رودخانه اروند رود، محدود به منطقه رأس البیشه و خور عبدالله صورت گرفت.

انتخاب منطقه غافلگیر کننده

دشمن امکان عملیات در منطقه مثلث فاو را از نظر منطق کلاسیک نظامی رد می‌کرد. اسناد به دست آمده پس از عملیات والفجر ۸ نشان می‌دهد بخش‌های اطلاعاتی ارتش بعثی، با کمک اطلاعات دریافتی از

ماهواره‌ها، عکس‌های هوایی و مشاهده فعالیت‌های ایران، به این نتیجه رسیده بودند که قرائن و شواهد یک تک‌گسترده از سوی قوای ایران در منطقه فاو و رأس البیشه وجود دارد ولی نیروهای عملیاتی ارتش صدام با توجه به منطق نبرد، امکان عبور از رودخانه اروند رود و انجام یک تهاجم وسیع بدون داشتن پل‌های متعدد بر روی رودخانه اروندرود و نیز مشکل تدارک نیروهای تک‌کننده و نیز تداوم عملیات از سوی یگان‌های مهاجم را منتفی می‌دانستند و اجرای چنین عملیاتی را خودکشی بزرگ و یک اشتباه استراتژیک برای ایران، ارزیابی می‌کردند.

بنابراین می‌توان این گونه برداشت کرد که عامل اصلی غافلگیر شدن دشمن، عدم درک صحیح ستاد ارتش بعثی از استراتژی ایران در آن زمان و نیز برنامه ریزی‌های گسترده سپاه برای انجام یک عملیات کاملاً موفق بود.

موقعیت مکانی منطقه عملیات

زمین منطقه عملیات والفجر ۸ شامل شبه جزیره فاو می‌شد که بین رودخانه اروند واقع در جنوب استان خوزستان و خلیج فارس و خور عبدالله قرار گرفته است. این سرزمین تحت تأثیر جزر و مد آب خلیج فارس و رطوبت دائم حاصل از آن و نیز نهرهای منشعب از اروندرود قرار دارد. به همین دلیل قسمت عمده‌ای از زمین منطقه عملیات، باتلاقی، نمک‌زار و سست است و در نتیجه برای تردد خودروها و نیز تانک‌ها و نفربرها مناسب نیست. بخش دیگری از زمین منطقه عملیات، پوشیده از نخلستان و نهرهایی است که این نخل‌ها را آبیاری می‌کنند لذا تردد خودروهای رزمی و زرهی منحصراً از طریق سه جاده اصلی آسفالتی که یکی جاده ساحلی به ام‌القصر، و دیگری جاده بصره-فاو و دیگری جاده استراتژیک فاو است صورت می‌گیرد و سایر نقاط برای تردد خودروها و ادوات جنگی و حتی برای رفت و آمد نفرات پیاده، مناسب نیستند و امکان گسترش یگان‌های رزمی زیاد به دلیل وضعیت و عواض زمین، وجود ندارد. از طرفی تراکم بیش از حد یگان‌های نظامی در این منطقه موجب آسیب پذیری آن‌ها می‌شود.

عمق آب رودخانه اروند رود، که از خلیج فارس تأثیر می‌پذیرد به طور متوسط به ۸ متر می‌رسید، به طوری که امکان کشتیرانی در آن را فراهم می‌آورد و کشتی‌های تا ۳۰ هزار تنی قبل از آغاز جنگ در آن تردد می‌کردند ولی به دلیل بروز جنگ، سال‌ها بود که در آن کشتیرانی صورت نگرفته بود و چون لایروبی هم نشده بود، لذا تردد کشتی‌ها مستلزم آب‌نگاری جدید می‌بود ولی در عین حال برای عبور یدک

کش‌های سبک و بارج‌های باربری و نیز لنج‌ها به شرطی که ناخدای آن‌ها آشنا به وضع رودخانه می‌بود، مشکلی ایجاد نمی‌کرد. عرض این رودخانه بین ۷۰۰ تا ۱۱۰۰ متر است و پل زدن بر روی آن، شرایط ویژه‌ای را می‌طلبد. در ساحل رودخانه، پوششی از چولان (بوته‌های بلند) و نی وجود داشت. ارتفاع چولان‌ها به حداکثر ۵/۱ متر و ارتفاع نی‌ها به ۳ تا ۴ متر می‌رسید؛ به گونه‌ای که انسان به راحتی می‌توانست در میان آن‌ها مخفی شود. ولی همین امر از گسترش یگان‌های مانوری در آن‌ها، جلوگیری می‌کرد. همچنین، نخلستان‌های بزرگی در دو طرف ساحل اروندرود در سمت خودی و دشمن وجود داشت که عمق آن بین ۲ تا ۵ کیلومتر متغیر بود و زمین اطراف آن اغلب سست و نامناسب برای تردد واحد‌های رزمی بود. این نخلستان‌ها، زمین منطقه عملیات را به دو قسمت مجزا تقسیم می‌کرد و برای یگان‌های رزمی، محدودیت فراوانی را ایجاد می‌کرد.

پس به طور خلاصه وضع منطقه عملیات یا زمین درگیری مجموعه‌ای بود از عوارضی شامل: ۱- باتلاق ۲- نمک زار ۳- رودخانه ۴- نخلستان ۵- شهر ۶- روستا ۷- چولان ۸- جاده‌های آنتنی عمود بر اروندرود ۹- دریاچه نمک ۱۰- همجواری با دریا در خور عبدالله ۱۱- نهرهای متعدد متصل به اروندرود

عوارض طبیعی فوق‌سرزمین نسبتاً پیچیده‌ای را برای انجام یک تک‌موفق ایجاد کرده بود که در ترکیب با عوارض مصنوعی‌ای که دشمن در ساحل دور اروندرود به وجود آورده بود موجب ابهام زیادی در برنامه ریزی برای آفند در این منطقه می‌گردید. ولی از آنجا که ارزش نظامی و سیاسی این منطقه برای رژیم بعثی عراق، فوق‌العاده مهم بود، بنابراین باید طراحان عملیات عوارض فوق‌را به عنوان مشکلات طرح عملیاتی ملاحظه کرده و برای فائق شدن بر آن‌ها راهکارهای مناسب تاکتیکی در نظر می‌گرفتند. بنابراین فرماندهی قرارگاه خاتم‌الانبیاء (ص) تصمیم گرفت تا نحوه عبور از رودخانه، چگونگی جنگیدن در نخلستان، باتلاق و شیوه درگیری‌های شهری را به رزمندگان لشکرها و تیپ‌های شرکت‌کننده در این عملیات، آموزش دهد.

وضعیت و شرایط کشور عراق در زمان عملیات والفجر

۱- در این سال، دولت عراق نیمی از تولید ناخالص داخلی سالانه خود، یعنی در حدود ۱۴ میلیارد دلار را به خرید تسلیحات و فناوری ساخت سلاح‌های مورد نیاز اختصاص داد.

۲- در این سال برتری کامل نظامی ارتش بعثی بر قوای ایران برقرار بوده است. استعداد نیروی هوایی آن کشور حدود ۶۰۰ فروند از انواع هواپیماهای بمب افکن و شکاری شامل انواع هواپیماهای توپولف، انواع میگ‌های جنگنده ۲۱، ۲۳، ۲۵ و ۲۷ و هواپیماهای جنگی سوخوی ۵ و ۷ و جنگنده بمب افکن‌های میراژ F1 و هواپیماهای مخصوص حمل موشک‌های ضد سطحی به نام سوپر استاندار بود که از فرانسه به همراه خلبان در اختیار گرفته بود. گفته می‌شود در آن زمان، استعداد عملیاتی نیروی هوایی عراق ۶ برابر نیروی هوایی ایران بوده است.

۳- در این سال کمک‌های مالی کشورهای عربی به عراق از جمله عربستان سعودی، امارات، کویت و ... کماکان ادامه داشته است و این کشورها از نظر سیاسی، اقتصادی، روانی و تبلیغاتی نیز به شدت از رژیم صدام پشتیبانی می‌کردند. رژیم‌هایی مانند مصر و اردن نیز از نظر سیاسی، تبلیغاتی و کمک‌های نظامی در کنار صدام بودند.

۴- در این سال حمایت کشورهای اروپایی از رژیم بعثی در زمینه صدور تسلیحات به این کشور افزایش یافت به طوری که فرانسه هواپیماهای میراژ F1۰۲۰۰-، سوپراتاندار و بمب‌های لیزری و موشک‌های ضد کشتی اگزوسه و موشک‌های ضد رادار و نیز بالگردهای سوپر فرلون مجهز به موشک‌های اگزوسه برای پرواز بر فراز خلیج فارس به منظور ایجاد توانایی در ارتش بعثی برای حمله به پایانه‌های نفتی ایران و نیز نفتکش‌ها را در اختیار این رژیم گذاشت. کشور آلمان نیز بر صدور فناوری ساخت سلاح‌های شیمیایی به رژیم صدام افزود. شوروی نیز کماکان تسلیحات پیشرفته خود از جمله انواع هواپیماها، بالگردها، تانک‌ها و نفربرها و موشک‌های زمین به زمین دور برد را در اختیار این رژیم قرار می‌داد. آمریکا هم علاوه بر کمک‌های اعتباری به انتقال اطلاعات از هواپیماهای آواکس و نیز اطلاعات ماهواره‌ای به رژیم صدام، ادامه می‌داد.

۵- در این سال ارتش بعثی، تلاش می‌کرد جنگ را در خلیج فارس و از طریق حمله به نفت کش‌ها و بنادر نفتی ایران از جمله جزیره خارک گسترش دهد. از طرفی سعی می‌کرد در جبهه‌های زمینی دارای آرایش دفاعی و نیز سیستم پدافندی قابل اعتمادی باشد و برای وارد کردن فشار روانی بر مردم ایران، به جنگ شهرها در مواقع خاصی ادامه دهد. در این سال ارتش بعثی، توانایی حمله هوایی به شهرهای دورتر ایران را هم پیدا کرد و علاوه بر آن مراکز اقتصادی ایران را مورد حمله هوایی نیز قرار می‌داد.

۶ - همچنین در این سال استفاده از کمک‌های اطلاعاتی آمریکا برای کنترل تحرکات نظامی ایران به خصوص از طریق هواپیماهای آواکس مستقر در عربستان افزایش یافت.

استعداد دشمن در منطقه عملیاتی

منطقه عملیاتی والفجر ۸ در حوزه استحفاظی سپاه هفتم ارتش بعثی، قرار داشت. مسئولیت این سپاه از منطقه ابوالخصیب در جنوب شهر بصره تا رأس البیشه در دهانه اروند رود تعیین شده بود و قرارگاه تاکتیکی آن در ابوالخصیب قرار داشت. سپاه هفتم، طول خط پدافندی اروند رود را با دو لشکر ۱۵ و ۲۶ پیاده و یگان‌هایی از نیروی ساحلی ارتش بعثی پوشانده بود.

لشکر ۱۵ پیاده با به کارگیری تیپ‌های ۸، ۱۰۴، ۴۰۱، ۴۳۶ و ۴۳۹ پیاده، دو گردان کماندویی، پنج گردان تانک و نفربر، پنج گردان جیش الشعبی و با پشتیبانی آتش گردان‌های ۱۵ و ۲۰ توپخانه صحرائی، از ابوالخصیب تا جنوب سبیه - مقابل پالایشگاه آبادان - گسترش داشت.

لشکر ۲۶ پیاده نیز با به کارگیری تیپ‌های ۱۰۷، ۱۱۳، ۱۱۰ و ۱۱۱ پیاده، ناوتیپ‌های ۷ و ۷۲ دریایی، گردان ۲۲ دفاع الواجبات، دو گردان کماندو، دو گردان تانک و نفربر، چهار گردان جیش الشعبی و با کمک آتش پشتیبانی گردان‌های ۲۲، ۹۴، ۷۹، ۳۳، ۶۳۲ توپخانه صحرائی، از جنوب زیادیه تا رأس البیشه مستقر بود.

با شروع عملیات والفجر ۸ لشگرهای زیر نیز به منظور تقویت یگان‌هایی در خط دشمن و همچنین انجام پاتک‌های فوری، وارد منطقه درگیری شدند.

- لشکرهای ۱۰، ۱۲، ۶ و ۳ زرهی

استراتژی نظامی دشمن

راهبرد نظامی دشمن در هنگام انجام عملیات والفجر ۸ برای ادامه جنگ در سرتاسر جبهه‌های نبرد، عبارت بود از:

۱- استراتژی دفاع مطلق در جبهه‌ها، به منظور از دست ندادن سرزمین و مستحکم سازی خطوط اول دفاعی با کمک فعالیت‌های شدید مهندسی و مسلح کردن زمین با انواع موانع و میادین مین و نیز تک‌های محدود به مواضع قوای ایران

۲- فرسایشی کردن جنگ و خسته کردن ایران، با نپذیرفتن شرایط جمهوری اسلامی ایران

۳- گسترش جنگ به خلیج فارس و باز کردن جبهه دریا و حمله به نفتکش‌ها و پایانه‌های نفتی ایران به منظور قطع درآمدهای نفتی کشور و ایجاد فشار اقتصادی بر مردم

۴- توسعه جنگ به عمق کشور ایران از طریق جنگ شهرها و حمله هوایی به مراکز اقتصادی کشور با کمک دریافت هواپیماهای دور پرواز از شوروی و فرانسه و نیز موشک‌های زمین به زمین

۵- استفاده گسترده از سلاح‌های شیمیایی در جبهه‌های جنگ و به خصوص در مقابل هرگونه تهاجم و پیشروی نیروهای ایرانی
سازمان رزم خودی

قرارگاه خاتم الانبیا (ص) هدایت و اجرای عملیات والفجر ۸ را با دو قرارگاه عملیاتی کربلا و نوح بر عهده داشت. پاسگاه تاکتیکی قرارگاه مرکزی خاتم الانبیا (ص) با فاصله ۱۷۰۰ متر از خط مقدم و در بین نخلستان‌ها در پشت اروندرود احداث گردید تا بتواند از نزدیک، هدایت عملیات را بر عهده گیرد. این برای نخستین بار بود که قرارگاه مرکزی عملیات در نزدیک‌ترین نقطه به خط اول جبهه و زیر برد آتش‌های خمپاره دشمن، احداث می‌گردید. شرایط ویژه این عملیات موجب شده بود که فرماندهی کل سپاه، قرارگاه تاکتیکی خود را در بین رزمندگان آماده برای تک، و در نزدیک‌ترین مکان به خط تماس با دشمن، برپا نماید.

در برنامه ریزی مانور عملیات، توجه به دو عامل به طور قابل ملاحظه‌ای در طرح ریزی نبرد والفجر، ۸ مؤثر بود.

۱- تجارب عملیات خیبر و بدر که در منطقه هورالعظیم انجام شد.

این دو عملیات نشان داد اگر مشکلات مربوط به پشتیبانی رزمی و پشتیبانی خدمات رزمی حل نشود و تدارک لازم از برنامه عملیات صورت نگیرد، تمام دستاوردهای عملیات مورد تهدید جدی قرار می‌گیرد.

بنابراین استفاده از انواع پل و نیز بهره گیری از انواع شناورهای تدارکاتی و همچنین امکان استفاده از آتش مؤثر توپخانه باید در اولویت برنامه ریزی‌ها قرار گیرد و تا اطمینان از تأمین آن‌ها، نباید اجرای عملیات آغاز شود.

۲- پیچیدگی‌ها و ویژگی‌های خاص عملیات والفجر ۸

به دلیل سختی‌های عملیات خیبر و بدر که نوعی عملیات آبی - خاکی تلقی می‌شد و در نهایت همه اهداف طرح ریزی شده برای آن‌ها، هنگام اجرای عملیات، تحقق نیافت، بنابراین برخی از فرماندهان ارشد سپاه از جمله تعدادی از فرماندهان لشکرهای خط شکن مثل لشکرهای امام حسین (ع) و نجف اشرف درباره این عملیات، تردید داشته و از موفقیت آن ناامید بودند به گونه ای که فرمانده کل سپاه نتوانست برای این فرماندهان و این یگان‌ها، مأموریت مؤثری را در مرحله اول عملیات والفجر ۸ تعیین کند. البته آن‌ها در مراحل بعدی عملیات فعالانه شرکت داشتند.

فرماندهان ارتش نیز در بازدیدی که از این منطقه، قبل از آغاز عملیات داشتند به این نتیجه رسیدند که انجام این عملیات امکانپذیر نیست و آن را یک طرح ناممکن می‌دانستند. اگر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تجربه گرانبهای دو عملیات خیبر و بدر در هورالهویزه را به همراه خود نداشت، قطعاً طراحی عملیات والفجر ۸ با مشکل روبرو می‌شد.

مشکلات برنامه ریزی برای عملیات

در طرح ریزی مانور این عملیات چند مسأله حائز اهمیت بود که عبارتند از:

۱- عبور از رودخانه عریض اروند مهم‌ترین مرحله این عملیات بود. اروند رود بزرگ‌ترین رودخانه ایران است. آب چهار رودخانه کارون، کرخه، دجله و فرات از طریق این رودخانه به خلیج فارس می‌ریزد و آب خلیج فارس نیز در این رودخانه جریان می‌یابد. در واقع طبیعت این رودخانه هم مانند یک خور است و هم مثل سایر رودخانه‌ها، آب شیرین در آن جریان دارد. آگاهی از وضع خاص اروندرود مثل جذر و مد و جریان‌های مختلف درون رودخانه در نوبت‌های خاص هفته، ساعت، شب و روز که موجب ایجاد چهار وضعیت مختلف می‌شد، در برنامه ریزی برای عبور نیروهای خط شکن بسیار حیاتی بود. در طراحی عملیات عبور غواص‌ها از این رودخانه عریض باید این شرایط مدنظر قرار می‌گرفت و به خصوص به فاصله زمانی بین جذر و مد که بیش از ۴ ساعت به طول می‌انجامد توجه می‌شد. حدود ۲۵۰۰ غواص باید

برای رسیدن به خط دفاعی اول دشمن با رعایت غافلگیری در شرایط مد، از رودخانه عبور می کردند تا به نزدیک ترین نقطه از سنگرهای اول دشمن برسند. اگر زمان شروع عملیات به خوبی تعیین نمی شد و عبور غواص ها با شرایط جذر رودخانه مواجه می شد باید نیروهای خط شکن حدود ۲۰۰ متر را به صورت سینه خیز از میان باتلاق ها و موانع موجود در آن ها، عبور نمایند که در این صورت موفقیت عملیات، با ابهام مواجه می شد.

۲- عملیات عبور از موانع مصنوعی و شکستن خط اول دشمن و پاکسازی سر پل به دست آمده و توسعه آن به منظور ادامه عملیات.

۳- مرحله بندی عملیات و وارد کردن عمده قوا برای رسیدن به اهداف مورد نظر که نیاز به واحدهای شناوری کافی و مطمئن داشت.

۴- توسعه در عمق و استفاده از موقعیت برای تثبیت اهداف به دست آمده و گسترش منطقه نبرد.

۵- پدافند و مقابله با پاتک های دشمن برای حفظ منطقه تصرف شده.

با توجه به مشکل انتقال ماشین آلات مهندسی همزمان با عبور عمده قوا، امکان احداث خاکریزهای مناسب برای ایجاد خط دفاعی در مقابل دشمن از اولویت ویژه ای برخوردار بود.

۶- برنامه ریزی برای عدم ورود به شهر فاو و دور زدن این شهر به منظور آسیب ندیدن غیر نظامیانی که احتمالاً در شهر وجود داشتند.

۷- استفاده از یگان هایی که قبلاً کمتر در خط شکنی های عملیات گذشته حضور داشتند به دلیل وارد نکردن فرماندهانی که اندکی ابهام در مورد موفقیت عملیات داشتند.

۸- انجام عملیات در شب با توجه به این که شفافیت آب رودخانه اروند، امکان دیده شدن غواص هایی که در سطح آب حرکت می کردند را فراهم می آورد. از سوی دیگر دشمن گاهی اوقات از نورافکن هم برای مشاهده سطح رودخانه به خصوص در ناحیه اسکله فاو استفاده می کرد.

۹- نیاز به آماده کردن عقبه یگان ها در نخلستان های اطراف بهمن شیر و نیز فضای مناسب برای تمرکز نیروها قبل از آغاز تک در میان نخلستان های اطراف اروند رود و ایجاد اسکله ها و فضاهای نگهداری قایق های انتقال عمده قوا.

برای درک شرایط و حالت‌های مختلف اروندرود، ماه‌ها کار فشرده اطلاعاتی صورت گرفت و با جمع بندی اطلاعات موجود در تاریخچه این رودخانه و نیز شرایط جوی منطقه خسروآباد و فاو، در ۲۰ سال گذشته که از اداره هواشناسی گرفته شد وضع رودخانه برای طراحی عملیات، مورد مطالعه قرار گرفت.

برای اجرای عملیات عبور غواص‌ها از رودخانه، آموزش‌ها و تمرین‌های زیادی انجام شد تا شرایط روحی و جسمانی نیروهای عمل کننده به حد مطلوب برسد. این عملیات، اوج خطر پذیری نیروهای انقلاب را به نمایش گذاشت. در این باره، یکی از نگرانی‌های اصلی طراحان عملیات، تأثیر جریان آب بر حرکت غواص‌ها هنگام عبور از رودخانه و دور شدن آن‌ها از هدف معین و گذار شده به آن‌ها بود.

علت استفاده از لباس غواصی نه برای حرکت در زیر آب، بلکه برای سرعت بخشیدن به حرکت نیروهای خط شکن در داخل رودخانه با استفاده از فین‌های غواصی و نیز ایجاد حداقل گرما برای نیروها تا توان جسمانی آن‌ها پس از عبور از رودخانه برای جنگیدن با دشمن، کاهش نیابد.

برای مرحله بندی عملیات، پی بردن به نحوه مناسب عبور از رودخانه، چگونگی شکستن خط اول دشمن و گرفتن سر پل مناسب و چگونگی هوشیاری دشمن و شیوه گسترش یگان‌ها در خط، قطعاً نیازمند حضور اطلاعاتی در غرب اروندرود و شناخت بیشتری از واکنش‌های دشمن بود. اما با توجه به تهیه عکس‌های هوایی، نقشه‌های نظامی و اطلاعات به دست آمده از زمین مورد نظر، مرحله بندی عملیات به گونه‌ای مناسب صورت گرفت و چهار مرحله برای این عملیات مشخص شد.

۱- عبور از رودخانه اروندرود و شکستن خط اول دشمن و پاکسازی سر پل به دست آمده از عناصر دشمن با کمک نیروهای ویژه غواص.

۲- تصرف شهر بندری فاو، رسیدن به خور عبدالله و استقرار در منطقه مثلثی شکل شمال شهر فاو و استقرار در پایگاه دوم موشکی در شمال غربی شهر.

۳- پیشروی یگان‌ها تا ابتدای کارخانه نمک و تشکیل خط دفاعی به موازات این منطقه از ساحل تا خور عبدالله.

۴- رسیدن به زمین‌های انتهای کارخانه نمک و کانال انتهای آن، واقع در جاده‌ام القصر تا ساحل رودخانه اروندرود. مأموریت مرحله اول به عهده لشکرهای ۷ ولی عصر (عج)، نصر ۵، ۴۱ ثارالله (ع)، ۱۹ فجر، ۳۱

عاشورا، ۲۵ کربلا، ۱۴ امام حسین (ع)، و تیپ‌های ۴۴ قمر بنی هاشم (ع) و ۳۳ المهدی (عج) بود. در مرحله دوم، لشکرهای ۲۷ محمد رسول الله (ص)، ۱۷ علی ابن ابیطالب (ع) و در مرحله سوم، لشکرهای ۸ نجف و ۳۱ عاشورا برای اجرای طرح مانور انتخاب شدند. در مرحله چهارم نیز همه یگان‌ها برای انجام عملیات مد نظر بودند. درباره توسعه عملیات در عمق باید به این نکته توجه داشت که در نبردهای بزرگی که پس از فتح خرمشهر انجام شد، همواره میان عمق بخشیدن به عملیات و توان موجود از یک سو، و هماهنگی پیشروی با پشتیبانی عملیات از لحاظ مهندسی و آتش و لجستیک و... از سوی دیگر، تعارض وجود داشته است. در این عملیات توسعه در عمق و استمرار عملیات از شرایط موفقیت‌های به دست آمده بود که با استفاده از شکل زمین انجام شد. البته اگر توان پیشروی برای رسیدن تا منطقه‌ام القصر در اختیار بود شرایط جبهه‌ها دچار تحول اساسی تری می‌شد و شرایط برای تسلیم دشمن سریع‌تر فراهم می‌شد.

مراحل اجرای عملیات

پس از این که برای مسئولان کشور مشخص شد عملیات بزرگ سال در منطقه فاو باید صورت گیرد بنابراین طرح ریزی مانور این عملیات با دقت زیادی انجام گرفت و سازمان رزم مناسب انتخاب گردید و مانور یگان‌ها به تصویب رسید. برای اجرای این عملیات ۱۵۰ گردان برآورد شده بود اما در نهایت عملیات با ۹۰ گردان انجام شد و امکان تأمین ۶۰ گردان باقی مانده فراهم نشد. به طور کلی این عملیات در سه مرحله متوالی زمانی به شرح زیر انجام شده است.

مرحله اول شکستن خطوط دشمن در ساحل دور اروند رود و انهدام یگان‌های مستقر در آن و پیشروی به سوی اهداف تعیین شده و تصرف آن‌ها، که به مدت چهل و هشت ساعت به طول انجامیده است.

مرحله دوم که به مدت یک هفته انجام شده است و در آن پاکسازی مناطق تصرف شده از وجود دشمن و گرفتن غنایم و به عقب بردن اسیران و مقابله با پاتک‌های فوری دشمن با رزمندگان اسلام در این مرحله صورت گرفته و موجب تشکیل خط پدافندی در قاعده مثلث شبه جزیره فاو شده است.

مرحله سوم که نزدیک به هفتاد روز به طول انجامیده است مرحله تثبیت موفقیت‌های انجام شده و دفع پاتک‌های گسترده و با فرصت دشمن بوده است که طی آن یگان‌های خودی، ضمن انهدام یگان‌های پاتک‌کننده توانسته‌اند، قدرت دفاع رزمندگان اسلام را در مقابل پاتک‌های سنگین دشمن که با واحد‌های ویژه از جمله لشکرهای گارد ریاست جمهوری و نیز با به کارگیری سلاح‌های شیمیایی و سلاح‌های

موشکی و حملات وسیع هوایی صورت می گرفته است به نمایش بگذارند. در نهایت دشمن از ادامه پاتک به منظور بازپس گیری سرزمین های از دست داده مأیوس شد و منطقه رأس البیشه تا فاو و از آنجا تا دریاچه نمک به تصرف رزمندگان اسلام درآمد و در نتیجه ارتباط دریایی عراق با خلیج فارس قطع شد.

فرماندهان عراقی نام این عملیات را «معرکه کمر شکن» گذاشتند، به دلیل آن که این تهاجم، حمله ای بود که بر اثر آن «اراده» و «قدرت تلافی» دشمن در هم شکست.

شرح عملیات

عملیات در ساعت ۲۲:۱۰ روز ۲۰/۱۱/۱۳۶۴ با رمز «یا فاطمه الزهرا(س)» از منطقه عمومی جنوب خسروآباد تا انتهای جزیره آبادان با عبور غواصان از اروندرود آغاز شد.

با شروع عملیات، غواص ها که از قبل به درون آب رفته و از اروند عبور کرده و در نزدیکی سنگرهای دشمن به کمین نشسته بودند، تهاجم خود را برای شکستن خط دشمن و پاکسازی آن آغاز کردند. البته در بعضی از نقاط غواص ها با مشکلاتی در عبور از اروند مواجه شدند. از جمله غواصان لشکر ۲۵ کربلا برای رفتن به سمت اسکله فاو با نور افکن هایی که دشمن بر روی سطح رودخانه روشن کرد و با تیراندازی بی هدف آن ها بر روی رودخانه مواجه شدند ولی از آن جایی که دشمن پی به وجود غواصان در آب و نیز آغاز عملیات نبرده بود، لذا پس از مدتی نورافکن هایی را که به طور آزمایشی روشن کرده بود خاموش کرد و تیراندازی متوقف شد. اکثر غواص ها برای این که در مقابل دشمن دیده نشوند آیه ۹ سوره یس را قرائت می کردند به این شرح: «وجعلنا من بین ایدیهم سدا و من خلفهم سدا فاعشیناهم فهم لایبصرون» آن ها معتقد بودند که با خواندن این آیه، خداوند به آن ها کمک خواهد کرد تا از چشم دشمن مخفی بمانند. برخی از غواص ها می گویند: پس از آن که وارد رودخانه شدیم، سطح رودخانه را موجی فرا گرفت که باعث شد سرهای ما در میان امواج از دید دشمن مخفی بماند.

پس از رسیدن گروه اول غواصان به خط مقدم دشمن و آغاز درگیری ها، همزمان آتش پر حجم ادوات و توپخانه صحرائی روی ساحل جنوبی اروند نیز از سوی یگان های مربوطه به اجرا درآمد و نیروهای خط شکن و نیز رزمندگان دنبال پشتیبان که با کمک قایق های موتوری به سرعت به ساحل دور اروند رود منتقل شده بودند، به توسعه سر پل خود در محدوده هر یگان مبادرت ورزیدند.

پس از پاکسازی خط اول، باید به منظور مقابله با پاتک های دشمن و نیز تثبیت و تأمین سر پل اولیه، دو حرکت عمده از سوی یگان های خودی انجام می شد.

۱- دور زدن و محاصره نمودن شهر فاو به منظور پرهیز از جنگ شهری

۲- پیشروی به سمت محور ساحلی، واقع در جناح شمالی منطقه عملیات

۳- پاک سازی کامل منطقه رأس البیشه به منظور ایجاد فضایی امن به منظور حرکت شناورهای سنگین برای انتقال ماشین آلات مهندسی و نیز سایر تجهیزات پشتیبانی.

بر همین اساس، دو لشکر پرتوان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، عملیات خود را با هدف پاکسازی و الحاق خط اول آغاز کردند و قبل از روشن شدن آسمان پس از درهم شکستن مقاومت های ضعیف دشمن، لشکر ۲۵ کربلا که مأمور تصرف شهر فاو بود، با حضور در مدخل ورودی شهر به محاصره آن پرداخت. در جنوب شهر نیز یکی دیگر از یگان ها با طی مسافت زیادی در عمق، به پیشروی خود به سمت خور عبدالله ادامه داد و در نتیجه این شهر از شمال و جنوب به محاصره یگان های خودی درآمد.

همزمان با اجرای عملیات اصلی در منطقه فاو، قرارگاهی که مأموریت داشت تا به منظور درگیر نگه داشتن نیروهای دشمن در منطقه ام الرصاص اقدام به اجرای تک کرده و جزیره بُوارین را تصرف کند، موفق شد این جزیره را به تصرف خود درآورده و در حدود ۸۰ درصد از جزیره ام الرصاص نیز پیشروی کند ولی به دلیل فشارهای دشمن که تصور می کرد محور اصلی عملیات از این منطقه است، یگان های تک کننده، عقب نشینی کردند با این حال بخشی از اهداف تک در این محور تا حدودی تأمین شد.

پس از محاصره شهر فاو و حضور یگان های مانوری در محور ساحلی و نیز دستیابی به خور عبدالله، پاکسازی منطقه رأس البیشه از باقی مانده نیروی دشمن آغاز شد. لشکر المهدی (عج) که عملیات در این منطقه را انجام می داد با مقاومت های شدیدی مواجه شد و دشمن با سنگر گیری بر بالای مناره یکی از مساجد که بر اروندرود مسلط بود مزاحمت های زیادی را فراهم آورد ولی رزمندگان لشکر المهدی (عج) توانستند با عبور از محورهای دیگر و از پشت دشمن به سمت مسجد حرکت کرده و آتش دشمن را خاموش کنند.

در روز اول عملیات، رزمندگان اسلام موفق شدند تا شهر فاو را به تصرف کامل خود درآورند و پرچم گنبد حضرت ثامن الائمه (ع) را که از مشهد به جبهه آورده بودند بر بالای بلندترین مناره مسجد آن شهر نصب نمایند. همزمان با پیشروی در اطراف شهر فاو، نخلستان‌های شمال و جنوب آن هم به طور کامل از وجود دشمن پاکسازی شد. لشکرهای ثارالله (ع) و المهدی (عج) هم در همین زمان موفق شدند تا با پیشروی به سمت دومین پایگاه موشکی دشمن، نیروهای موجود ارتش بعثی در این محور را منهدم و یا به اسارت خود درآورند. لازم به ذکر است که به محض آغاز عملیات، دشمن تجهیزات پرتاب و نیز موشک‌های ساحل به دریای خود را از این پایگاه‌ها تخلیه کرد و در نتیجه فقط چند خودروی راداری مربوط به سیستم‌های پرتاب موشکی به غنیمت رزمندگان اسلام درآمد. تا قبل از عملیات والفجر ۸ دشمن از این پایگاه‌های موشکی حدود ۹۰ فروند موشک HY2 را به سمت کشتی‌هایی که از طریق خور موسی به سمت بندر امام خمینی (ره) در حال حرکت بودند پرتاب کرده بود.

در نتیجه تا پایان روز اول، یگان‌های خودی موفق شدند علاوه بر تصرف شهر فاو و پاکسازی کامل منطقه، در شمال شهر و در جاده محور ساحلی حضور یابند و به این ترتیب اهداف مورد نظر در مراحل اول و دوم عملیات، با موفقیت کامل تأمین شد.

با توجه به اهمیت محور ساحلی در کنار خور عبدالله و حساسیت دشمن نسبت به آن، پس از گذشت ۳۶ ساعت از آغاز تک، نخستین پاتک ارتش صدام متوجه این محور شد؛ اما موفقیتی در بر نداشت. همان گونه که قبلاً ذکر شد دشمن که تصور می‌کرد محور اصلی عملیات از سمت جزیره ام الرصاص و یا منطقه هورالهوریزه به خاطر نزدیکی‌اش به بصره است، بیشتر توجه خود را به این منطقه معطوف کرده بود؛ اما سرانجام پس از سه روز از آغاز تک، متوجه اساسی بودن عملیات و تلاش اصلی در منطقه فاو شد و لشکر گارد ریاست جمهوری را وارد درگیری در این منطقه کرد.

قبل از آغاز عملیات با انجام فعالیت‌های شدید مهندسی که با استتار کامل صورت می‌گرفت سپاه موفق شد حدود ۵۰۰ عراده توپخانه صحرائی، توپخانه پدافند هوایی و تانک را در مواضع مناسبی که ساخته بود در منطقه عمومی جزیره آبادان و در بین نخلستان‌ها مستقر کند این اقدام این امکان را برای قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) فراهم کرده بود تا دشمن را از حدود ۱۰۰ کیلومتری قبل از رسیدن به منطقه فاو و در مسیر حرکت خود بر روی خطوط مواصلاتی منطقه و جاده‌های ارتباطی، زیر آتش سنگین توپخانه دوربرد سپاه و ارتش قرار دهد. پس از ورود لشکر گارد به منطقه برای انجام پاتک، یگان‌های خودی با اجرای آتش

انبوه توپخانه و ادوات به این لشکر هجوم بردند. در این میان، دشمن به منظور پشتیبانی از لشکر گارد در ساعت ۵:۳۰ صبح روز ۲۴/۱۱/۱۳۶۴ به حمله شیمیایی علیه مواضع رزمندگان اسلام مبادرت ورزید؛ ولی به دلیل ترس خلبان‌های هواپیماهای عراقی از مورد اصابت قرار گرفتن، آن‌ها بخشی از بمب‌های شیمیایی را در میان نیروهای لشکر گارد صدام فرو ریختند که به مصدومیت تعدادی از آنان منجر شد.

در ادامه عملیات، یگان‌های خودی در محور جاده استراتژیک، جاده‌ام القصر و کارخانه نمک، بر حملات خود شدت بخشیده و توانستند ضمن تصرف نیمی از کارخانه نمک، روی جاده‌ام القصر نیز خطی دفاعی به موازات این کارخانه تشکیل دهند. سپس، در چند شب درگیری متوالی، یگان‌های خودی با درهم شکستن خطوط دشمن موفق شدند در شب هشتم عملیات، خود را به سه راهی کارخانه نمک رسانده و با ساخت چند رده خاکریز بلند و آرایش مناسب و استقرار سلاح‌های ضد زره، در پشت آن مستقر شوند و خط پدافندی اولیه خود را تشکیل دهند.

از روز هشتم به بعد با تشکیل خط مناسب پدافندی، دشمن که خود را به طور کامل پیدا کرده و حواس خویش را بازیافته بود، پاتک هایش را مجدداً آغاز کرد. ابتدا، از جاده فاو - البِجَار وارد عمل شد که با مقاومت رزمندگان اسلام مواجه و با از دست دادن تعدادی از نفرات و انهدام تجهیزات خود عقب نشست. سپس، از جاده استراتژیک، تهاجم خود را روی سه راهی کارخانه نمک متمرکز کرد؛ اما بر اثر اجرای آتش شدید خمپاره و توپخانه، انهدام قابل توجهی را متحمل شده و با بر جای گذاردن تعداد زیادی کشته و زخمی عقب نشینی کرد. در روز یازدهم عملیات، به منظور تکمیل خط پدافندی و تثبیت آن، از سوی رزمندگان اسلام در سراسر محور ساحلی و میانی جبهه، آب رها شد و به این ترتیب، دشمن از تلاش مجدد برای پاتک در محورهای یاد شده ناامید شد. در مجموع درگیری‌های فاو و پاتک‌های دشمن ۷۵ روز به طول انجامید. پس از این مدت دشمن از باز پس گیری منطقه مثلث فاو ناامید شد و به پاتک‌های خود خاتمه داد. عملیات والفجر ۸ طولانی‌ترین عملیات دوران جنگ بود و تثبیت منطقه تصرف شده در آن کار عظیمی بود که کارشناسان نظامی دنیا به ایران، در طرح ریزی و اجرای چنین نبردی آفرین گفتند.

نتایج عملیات

عملیات فاو با موفقیت بزرگی که پس از گذشت حدود ۳ سال از عملیات بیت المقدس نصیب مردم ایران کرد، آغاز یک تحول بزرگ و گشایشی عمده در جبهه‌های جنگ بود که به نوبه خود منجر به فتوحات

دیگری از جمله عملیات کربلای ۵ و عملیات والفجر ۱۰ شد. این عملیات بزرگ‌ترین پیروزی رزمندگان اسلام پس از فتح خرمشهر در سال ۱۳۶۱ بود. نتایج عملیات والفجر ۸ به شرح ذیل جمع بندی می‌شود:

۱- این عملیات بر اساس یک تفکر پیچیده و خلاق نظامی و به وسیله انسان‌هایی ورزیده و آموزش دیده و شجاع و شهادت طلب که توانستند با تاکتیک مناسب دشمن را غافلگیر کنند، انجام شد و به همین دلیل ارزیابی از توان نظامی سپاه را در داخل و خارج کشور تحت تأثیر قرار داد.

۲- این عملیات نشان داد قدرت خلاقیت و ابتکار عمل فرماندهان و طراحان عملیات توانسته است کمبود شدید یگان‌های مانوری، امکانات و مقدورات مورد نیاز برای عملیات را تا حد زیادی جبران کند. فرماندهان سپاه توانستند مانور خود را به خوبی و منطبق با وضعیت زمین منطقه عملیات طراحی کنند و از عوارض طبیعی زمین حداکثر بهره برداری را در طراحی مانور و آتش انجام دهند.

۳- دشمن برای بازپس گیری زمین منطقه عملیاتی فاو مجبور شد نیروهای خود را به طور گسترده به خطوط مقدم جبهه گسیل داشته و آن‌ها را بی محابا بکار گیرد و در نتیجه منهدم شود. برخی معتقدند اگر بخش مهمی از توان نظامی دشمن در این عملیات منهدم نمی‌شد، ارتش بعثی دست به تهاجم‌های گسترده ای علیه مواضع رزمندگان اسلام در نقاط مختلف جبهه می‌زد.

۴- این عملیات قدرت تدبیر فرماندهی قرارگاه خاتم الانبیاء(ص) را برای کنترل نیروی هوایی، پدافند هوایی و هوانیروز نشان داد و موجب اعتماد به نفس بیشتری شد و مشخص ساخت چنانچه از توان دو سازمان سپاه و ارتش متناسب با طبیعت آن‌ها، استفاده شود، نتایج بهتری حاصل خواهد شد.

۵- این عملیات در منطقه ای انجام گرفت که صدام به بهانه تسلط کامل بر اروند رود، جنگ با ایران را شروع کرده بود. او قرار داد ۱۹۷۵ را در آغاز جنگ تحمیلی پاره کرده بود و این عملیات عملاً قرار داد ۱۹۷۵ الجزایر را به سود جمهوری اسلامی ایران تثبیت کرد.

۶- عملیات والفجر ۸ مبنایی برای تدوین استراتژی باز دارندگی جمهوری اسلامی ایران شد.

استراتژی بازدارندگی همواره بر این اصل استوار است که کشورهای همسایه را از حمله نظامی به خاک کشور باز دارد و در صورت حمله، صحنه نبرد را به داخل خاک دشمن منتقل سازد. ارزش این عملیات

به آن بود که به دشمن نشان داد، سیاست بازدارندگی از طریق حمله گسترده توانسته است جنگ را به طور جدی به داخل خاک دشمن منتقل سازد و لبه تیز آن را به سوی ارتش متجاوز برگرداند.

<http://www.sajed.ir/detail/80815>

دلایل موفقیت عملیات والفجر ۸

هنگام طراحی عملیات والفجر ۸ و نیز همزمان با تلاش‌های پس از آن، واقعیاتی رخ نمود که به تدریج نقش اساسی خود را در رابطه با پیروزی‌های این عملیات و نیز ضرورت‌های مورد نظر جهت ادامه جنگ نشان داد.

در نهایت آنچه فتح فاو را به دنبال داشت، عوامل متعددی بود که بعضاً به طور مستقیم یا غیرمستقیم تأثیر خود را بر جای گذاشت. در این رهگذر به پاره‌ای از آن عوامل اشاره می‌شود:

- 1- غافل‌گیر شدن دشمن و عدم آمادگی آن؛
- 2- ضعف اطلاعاتی دشمن؛
- 3- عملیات پشتیبانی از ام‌الرصاص، شلمچه و محورهای دیگر؛
- 4- اتخاذ تاکتیک‌های ویژه، خصوصاً به هنگام عبور از رودخانه اروند؛
- 5- موقعیت زمین منطقه که امکان مانور مناسب را از دشمن سلب می‌کرد؛
- 6- امکان استفاده مناسب از آتش خودی؛
- 7- سیستم نسبتاً مناسب پدافند هوایی؛
- 8- وسعت نسبتاً مناسب منطقه؛
- 9- پشتیبانی بیشتر دولت و مردم نسبت به گذشته در فراهم آوردن امکانات و نیرو؛
- 10- اقدامات مهندسی؛
- 11- آموزش و سازماندهی مناسب نیروها؛
- 12- اقدامات پیش‌گیرانه در مقابل تک‌های شیمیایی دشمن؛

13- استفاده مناسب از نیروی هوایی و هوانیروز؛

14- به کارگیری سلاح‌های ضد زره.

جنگ در مقایسه با سه؟ گذشته خود، از ابعاد و پیچیدگی‌های روزافزون برخوردار شده بود. در این روند تغییر زمین مانور از دشت و خشکی به هور و رودخانه ا روند - که طبعاً تاکتیک‌های ویژه‌ای را برای عبور، تأمین عقبه‌ها و ... نیاز دارد - بارزترین وجه آن بوده است. ناتوانی عراق در انطباق خود با شرایط به وجود آمده و رویارویی با تاکتیک‌های برتر قوای ایرانی، ابتکار عمل در اختیار قوای نظامی ایران قرار داده بود؛ به طوری که در این شرایط، فریب و غافل‌گیری دشمن و به دنبال آن، در هم ریختگی خطوط دفاعی عراق، از جمله مهم‌ترین عوامل هراس و نگرانی حاکمان بغداد و قدرت‌های شرق و غرب را تشکیل می‌داد.

عملیات والفجر ۸ تجارب متفاوتی را در پی داشت که در این قسمت، نظر به اهمیت موضوع، تنها به «ضرورت تجزیه قوای دشمن» و نیز «ضرورت پشتیبانی همه جانبه از جنگ» اشاره می‌شود:

1- ضرورت تجزیه قوای دشمن

تجزیه قوای دشمن، عملاً تضمین پیروزی عملیات را افزایش و جنگ را به سمت تعیین تکلیف نهایی سوق می‌داد. بر این اساس عملیات والفجر ۹ و حملات به جزیره‌ام الرصاص همزمان با عملیات والفجر ۸، در غرب و جنوب کشور طراحی و انجام شد. از آن جا که منطقه فاو برای دشمن اهمیت خاصی داشت، لذا عمده قوای خود را در آن جا متمرکز کرد و این پیشامد، فرصت مناسب را برای نیروهای خودی برای پیشروی در منطقه عملیاتی غرب کشور (والفجر ۹) فراهم کرد.

تحمیل وضعیت مشابه به دشمن با انجام عملیات از دو یا چند محور به طور همزمان، عملاً میزان تأثیرگذاری ابزار تکنولوژیک عراق را کاهش داده و توان ارتش این کشور را تضعیف می‌کرد؛ در نتیجه مانع از دفاع متمرکز قوای دشمن در یک محور می‌شد.

لازمه محقق چنین وضعیتی، عبارت از گسترش سازمان رزم با بسیج نیرو و افزایش توان سازماندهی آنان بود؛ چنانچه پس از عملیات والفجر ۸، تلاش گسترده‌ای به منظور سازماندهی ۵۰۰ گردان رزمی و افزایش آن به ۱۰۰۰ گردان صورت می‌گرفت.

2- پشتیبانی همه جانبه از جنگ تأکیدهای مکرر فرماندهی کل قوا مبنی بر این که «جنگ در راس امور است.» به معنای بسیج تمام کشور در خدمت جنگ و نیز ضرورت‌های اجتناب ناپذیر آن، انجام این مهم را که برآمده از ارتباط تنگاتنگ جنگ با ارگان‌های گوناگون کشور بود، روشن تر کرد.

در این میان، آنچه در عملیات والفجر ۸ محقق شد. نشانگر ضرورت به کارگیری تمام امکانات کشور در خدمت جنگ و تأثیر گذاری فزاینده آن در کسب پیروزی بود.

طبیعتاً تحقق وضعیت یاد شده، به طور مطلوب و شایسته در گرو ایجاد سیستم مناسب با امر جنگ و ضرورت‌های آن بود. در این صورت، گذشته از این که فاصله جبهه و پشت جبهه کاهش می‌یافت، امکان حل برخی از معضلات که قطعاً ناشی از ناهماهنگی بود نیز میسر شد و در نتیجه، در زمانی نه چندان طولانی، امکان دستیابی به موقعیت‌های چشم‌گیر و سرنوشت ساز فراهم گردید.

اتفاقات عملیات

جنگ شیمیایی عراق در عملیات والفجر ۸

گزارش دفتر تحقیقات بهداری قرارگاه کربلا در زمینه جنگ شیمیایی در عملیات والفجر ۸

در طول جنگ هشت ساله، توسل عراق به سلاح‌های شیمیایی از جمله تاکتیک‌های پدافندی ارتش این کشور برای پوشش نقاط ضعف نیروهای زمینی‌اش در برابر حملات زمینی ایران بود. بعد از آزاد سازی خرمشهر، ارتش عراق تقریباً در تمامی عملیات‌های ایران از این حربه استفاده کرد. هم چنین، در عملیات والفجر ۸، با توجه به شکست سختی که متحمل شده و اهمیت استراتژیکی مناطقی که از دست داده بود، در حجم گسترده‌ای از این سلاح‌ها استفاده کرد. وسعت مناطق آلوده شده، تنوع عوامل به کار رفته و تداوم استفاده از این سلاح‌ها، طی این عملیات در طول جنگ بی‌سابقه بود و از این طریق، تلفات شدیدی به نیروهای خودی وارد شد. سند زیر، گزارش دفتر تحقیقات بهداری قرارگاه کربلا است که درباره حملات شیمیایی عراق و اثرات آن در عملیات والفجر ۸ تنظیم شده است.

در تاریخ ۲۳ و ۲۴ بهمن ماه سال ۱۳۶۴ در منطقه عملیاتی والفجر ۸، به ویژه فاو و حاشیه اروندرود، هواپیماها و توپخانه‌های عراقی حملات شیمیایی متعددی را انجام دادند که مهم‌ترین و موثرترین آن‌ها در روز ۱۳۶۴/۱۱/۲۳ ساعت ۵ بعدازظهر در منطقه فاو صورت پذیرفت.

در مرحله نخست، بین چهارده تا هجده فروند هواپیما به منطقه حمله کردند که در کمتر از یک ساعت، تعداد آنها به ۳۲ فروند رسید. آنها به صورت دسته جمعی با هم پرواز می کردند و به فاصله کوتاهی پس از بمباران یک دسته، دسته بعدی به منطقه وارد می شوند. نتیجه روش آن بود که پس از مدت کوتاهی، منطقه با غلظت بالایی آلوده می شد.

عوامل مصرف شده عبارت بودند از:

1- خردل

2- اعصاب

3- سیانور

4- خفه کننده (از املاح سیانور)

5- یک نوع گاز خفه کننده ناشناخته که کلرین و فشرن و کلرپیکرین هم نیست، و؟

6- یک عامل ناشناخته عصبی که برای نخستین بار در این عملیات به کار گرفته شد و ما آن را با نام عامل VX نام گذاری کردیم.

به احتمال قوی، سموم دیگری نیز که هیچ گونه استاندارد نظامی جنگ شیمیایی را ندارند و شاید ناخالصی ها و فضولات سمی کارخانجات شیمیایی باشن همراه با سموم مزبور مصرف شدند. بدین خاطر، انواع نشانه های بالینی در مجروحان مشاهده می شد.

در حین بمباران شیمیایی، بمباران با بمب های معمولی نیز صورت می گرفت. از این رو، علت آسیب شدید و شهادت برخی از برادران در واقع، تزریق شدن سم از این راه به داخل خون بود. از آن جا که انواع عوامل سمی مزبور به طور هم زمان مورد استفاده قرار گرفتند، در یک رزمنده، هم نشانه های مسمومیت با خردل، هم سیانور و هم اعصاب مشاهده شد.

شرایط مناسب جوی و جغرافیایی

در زمان حمله شیمیایی، نسیم ملایمی می وزید و درجه حرارت حدوداً ۲۰ درجه سانتی گراد بود - که حرارت مناسبی محسوب می شد - از طرف دیگر، بخشی از منطقه بمباران شده، نخلستان بود. در این مناطق،

افزون بر نخل‌ها، کف زمین نیز انباشته از انبوه علف‌ها و گیاهان بود؛ موضوعی که در مجموع نقش مهمی در پایداری دراز مدت عامل در منطقه داشت.

از آن جا که هر روز مقداری از این سموم - به ویژه خردل - تبخیر و از محیط خارج می‌شد، دشمن برای حفظ غلظت گازهای شیمیایی به طور مدام همان مناطق را با گلوله‌های توپ شیمیایی و نیز بمباران‌های محدود شیمیایی هم چنان آلوده نگه می‌داشت. البته، طی گزارشی نیز، به استفاده دشمن از هلی کوپتر برای آلوده سازی منطقه اشاره شده است. هم چنین، برخی از برادران شاهد استفاده از روش انتشار گاز با هواپیما بوده‌اند. نکته دیگر این که، دشمن شب‌ها، حتی گاهی در ساعت ۲ نیمه شب گلوله باران شیمیایی انجام می‌داد، زمانی که برخی از برادران در خواب بودند.

باید یاد آور شد که هر چند دشمن به تدریج بمباران‌های شیمیایی را در کل منطقه عملیاتی و نواحی پشتیبانی آن گسترش داد، ولی بیشترین موفقیت را در منطقه نخلستان به دست آورد.

ارزیابی تقریبی از حمله شیمیایی دشمن

آن‌ها با این اقدام توانستند در مدت کوتاهی، نیروهای زیادی را به پشت جبهه تخلیه کنند. با مقایسه آمار مجروحان شیمیایی و عادی در روزهای نخست عملیات، متوجه خواهید شد که تاثیر حمله شیمیایی بیشتر از مجموع حملات عادی است و جای بسی تاسف است که هنوز سلاح‌های شیمیایی به عنوان یک موضوع فرعی در ذهن مسئولان نظامی مطرح است! برخی از مسئولان به علت ناآگاهی اعلام کردند که عده زیادی از مجروحان شیمیایی بی دلیل به پشت جبهه تخلیه شده‌اند یا ناراحتی خفیفی داشته‌اند که نباید تخلیه می‌شدند؛ بنابراین، بهداری را مورد سوال قرار دادند، ولی ما قویا یادآور شدیم که این موضوع اشتباه است و تنها نتیجه آن، اهمیت جلوه دادن حملات شیمیایی دشمن و ناتوانی ما برای پیش بینی‌های صحیح و برنامه ریزی مناسب بر عملیات‌های آینده خواهد بود. با توجه به این که بر خلاف عملیات گذشته در این عملیات، برخی از نیروها مدت طولانی (یک ماه بیشتر) در غلظت کم گاز به سر برده‌اند که پیش از این، سابقه نداشته است؛ بنابراین، در آینده، با مشکلات خاص آلودگی‌های مزمن خردل (...دستگاه تنفسی) رو به رو خواهیم شد؛ موضوعی که در آلودگی حاد و موقتی با مقادیر بسیار زیاد خردل دیده نمی‌شود. مجروحان عادی که از آغاز عملیات والفجر ۸، (یعنی ۶۴/۱۱/۲۱ تا ۶۴/۱۱/۲۵) به پشت جبهه تخلیه شدند، با در نظر گرفتن بیمارستان‌ها و نقاهتگاه‌ها جمعا بالغ بر سیزده هزار نفر می‌شدند، در حالی که تنها با دو

حمله شیمیایی وسیع در مدت سه روز (۲۳، ۲۴ و ۶۴/۱۱/۲۵)، متجاوز از نه هزار مجروح شیمیایی به پشت جبهه تخلیه شدند. به دلیل نواقصی که در آمارگیری وجود داشته است، آمارهای بعدی مجروحان عادی را فعلاً مورد بحث قرار نمی‌دهیم، ولی با بررسی همین پنج روز نخست عملیات، مشخص می‌شود که تاثیر سلاح‌های شیمیایی در از کار انداختن نیروها با سلاح‌های عادی رقابت می‌کند. باید توجه کرد که هر چند تلفات بمب شیمیایی زیاد نیست، اما قدرت آن در از کار انداختن و ناتوان کردن نیرو به مراتب از سلاح‌های عادی بیشتر است، افزون بر آن، کار در محیط شیمیایی ناراحتی‌های روانی خاصی را پدید می‌آورد.

از تاریخ ۶۴/۱۱/۲۵ تا ۶۴/۱۲/۲۰، دست کم، شش هزار مصدوم شیمیایی دیگر نیز داشته‌ایم که جمعاً به پانزده هزار نفر افزایش خواهند یافت. افزون بر این، به طور تقریبی پانزده هزار نفر نیز هستند که علی‌رغم داشتن علائم خفیف (خارش و التهاب پوستی، به ویژه در نواحی حساس بدن و التهاب چشم و حالت ترس از نور - فوتونوبی) به کار خود ادامه دادند و به بهداری مراجعه نکردند یا به طور سرپایی درمان شدند که جزء آمار مجروحان ما محسوب نشده‌اند.

پیامدها

عملیات غرور آفرین والفجر ۸ (فتح فاو) - واکنش‌ها و بازتاب‌ها

پیروزی جمهوری اسلامی ایران در عملیات والفجر و فتح فاو، موازنه نظامی - سیاسی جنگ را به میزان بسیاری به نفع ایران تغییر داد و روند جنگ را پیچیده‌تر کرد. این اقدام ایران، بازتاب گسترده‌ای در محیط بین‌المللی و منطقه‌ای داشت. دولت عراق نیز واکنش تندتری در ابعاد مختلف جنگ از خود نشان داد. ایالات متحده آمریکا، این پیروزی را که به استقرار نیروهای ایرانی در کنار مرزهای کویت انجامیده بود، تهدید عمده برای منافع خود قلمداد کرد و در سطح منطقه دست به تحرکات گسترده دیپلماتیک زد.

جرج بوش، معاون رئیس جمهور آمریکا به کشورهای عربستان، بحرین، عمان و یمن شمالی سفر کرد و با مقامات این کشورها دیدار کرد. «ریچارد مورفی»، معاون وزیر خارجه آمریکا نیز با طارق عزیز، وزیر امور خارجه عراق ملاقات کرد. مهم‌ترین محور گفت‌وگو در این دیدارها، موضوع جنگ ایران و عراق بود. همچنین آمریکایی‌ها اعلام کردند در صورت به خطر افتادن تردد کشتی‌ها در خلیج فارس، وارد عمل می‌شوند و با همین دستاویز، چهار قایق خود را به بهانه تضمین امنیت کویت، گشت زنی و محافظت از سواحل کویت وارد شمال خلیج فارس کردند.

علاوه بر این، آمریکا در صدد برآمد تا با هماهنگی شوروی، خط مشی جدیدی را در برابر جنگ ایران و عراق اتخاذ کند، شولتز، وزیر خارجه آمریکا اعلام کرد: «میان دو ابرقدرت برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق، ابتکار تازه‌ای در جریان است.»

وی همچنین گفت: «در این مذاکرات (در استکهلم) واشنگتن و مسکو به این توافق رسیدند که پایان یافتن جنگ به نفع آمریکا و شوروی است.»

اقدام دیگر مقامات آمریکایی، تلاش برای تصویب قطعنامه علیه ایران در شورای امنیت سازمان ملل و همچنین تلاش برای کاهش قیمت نفت بود. آن‌ها همچنین به کمک رسانه‌های غربی با متهم کردن ایران به تروریسم و جوسازی درباره‌های تسلیحاتی، موج جدیدی را علیه ایران به راه‌انداختند. رادیو آمریکا در این باره، به نقل از نشریه واشنگتن تایمز اعلام کرد: «ایران ۷۷ موشک زمین به زمین و ۶۰ موشک زمین به هوا که قادر هستند هواپیماهای میگ - ۲۳ و میراژ اف - ۱ را سرنگون کنند، از سوریه و کره شمالی تحویل گرفته است.»

نشریه انگلیسی آبزورور نیز نوشت: «ایران به تازگی از انبارهای اروپایی ۱۰ هزار موشک ضد تانک تاو ساخت آمریکا را به بهای هر فرند ۱۶ هزار دلار خریداری کرده است.»

انستیتو مطالعات استراتژیک لندن نیز اعلام کرد: «چین در ماه مارس ۱۹۸۵ میلادی با فروش معادل ۶/۱ میلیارد دلار تسلیحات از جمله ۱۴ فروند جت شناسایی جی - ۶۰، ۲۰۰ دستگاه تانکتی - ۵۹، سلاح ضد تانک، موشک‌انداز و موشک‌های زمین به هوا به ایران موافقت کرده است.»

اتحاد جماهیر شوروی (سابق) نیز پس از عملیات والفجر به موضع‌گیری در برابر جنگ پرداخت. از نظر گرومیکو «موضع‌گیری شوروی در جنگ قابل تغییر نیست، چه وقتی که عراق وارد (خاک) ایران شد و چه حالا که ایران وارد (خاک) عراق شده است» مقامات شوروی، جنگ را بی‌معنی و غیرضروری خواندند و تاکید کردند که جنگ باید هرچه زودتر قطع شود.

به علاوه شوارز نادزه، وزیر خارجه شوروی و همچنین معاون وزیر خارجه کشور با مقامات دیدار و گفت‌وگو کردند. مقامات رسمی شوروی در واکنشی جانبدارانه از عراق، گفتند که مسکو از پیشنهادهای صلح صدام برای پایان جنگ پشتیبانی می‌کند.

دبیرکل سازمان ملل متحد از کشورهای آمریکا و شوروی خواست که از نفوذ خود استفاده کرده و جنگ را پایان دهند. رئیس شورای امنیت نیز با تصریح این مطلب که ایران این جنگ را علیه عراق ادامه داده است، همین درخواست را عنوان کرد.

در حالی که موفقیت ایران در عملیات والفجر رو به تثبیت پیش می‌رفت، شورای امنیت قطعنامه جدیدی را در تاریخ فوریه به شماره، درباره به تصویب رساند. در بند این قطعنامه آمده است:

«دبیرکل از ایران و عراق بخواهد دو کشور بی‌درنگ در زمین دریا و هوا، آتش بس را رعایت کرده و بلافاصله تمام نیروهای خود را تا مرزهای بین‌المللی شناخته شده به عقب بکشند.»

این قطعنامه در حالی به تصویب رسید که در قطعنامه‌های قبلی شورا، در برابر حملات زمینی، دریایی و هوایی عراق تنها به اظهار تاسف، آن هم بدون ذکر نام عراق، اکتفا شده بود، قطعنامه بلادرنگ مورد موافقت عراق قرار گرفت، اما وزارت خارجه اسلامی ایران در پاسخ به این مصوبه در اسفند طی بیانیه‌ای اعلام کرد: «عدم موضع‌گیری صریح و قاطع در این زمینه (تعیین متجاوز) نشانگر آن است که شورا هنوز اراده سیاسی لازم را در این زمینه ندارد. بر این اساس آن قسمت از قطعنامه که به کل موضوع جنگ و خاتمه مناقشات مربوط می‌شود، ناقص و بی‌اعتبار و غیرقابل اجرا است. ... اولین قدم برای حرکت به سمت حل عادلانه جنگ، محکومیت صریح عراق به عنوان متجاوز است.»

کشورها و سازمان‌های عربی نیز نگرانی خود را از پیروزی ایران آشکار کردند. عربستان سعودی در اقدامی جانبدارانه از عراق به ترکیه پیشنهاد داد: در صورتی که این کشور روابط تجاری خود را با ایران قطع کند، ضرر و زیان مالی آن را به عهده می‌گیرد.

همچنین شاه اردن به میانجیگری میان عراق و سوریه برای آشتی دادن دو کشور پرداخت و شورای همکاری خلیج فارس نیز در اسفند تشکیل جلسه داد و علیه ایران موضع‌گیری کرد.

مهم‌ترین واکنش غرب و متحدان منطقه‌ای عراق در برابر این عملیات، کاهش قیمت نفت بود که با هدف کاستن از توان اقتصادی و درآمد ارزی جمهوری اسلامی ایران صورت گرفت. این کاهش تا مرز بشکه‌ای شش دلار ادامه یافت. عربستان و دیگر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس با افزایش تولید و اشباع بازار، نقش بسزایی در ایجاد این وضعیت داشتند. عربستان این اقدام خود را با عنوان استراتژی سهم بازار توجیه می‌کرد و با این عمل یک تا دو سال قیمت نفت را پایین نگه داشت.

از دست دادن فاو، چنان فشار مضاعفی را در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بر رژیم عراق وارد کرد که این رژیم به اقدامات وسیع سیاسی - نظامی دست زد. مهم‌ترین اقدام عراق حمله به هواپیمای مسافربری ایران بود که حامل چند تن از نمایندگان مجلس و شخصیت‌های سیاسی از جمله آیت‌الله محلاتی، نماینده امام خمینی (ره) در سپاه بود، همچنین حمله به قطار مسافربری در ایستگاه هفت تپه خوزستان، حمله به مرکز اقتصادی و صنعتی با تاکید بر منابع (پایانه خارک، پالایشگاه‌ها و ...) و نیز اجرای عملیات‌های محدود تهاجمی موسوم به استراتژی دفاع متحرک از دیگر تلاش‌های عراق در این زمینه به شمار می‌روند. پیدایش وضعیت جدید می‌توانست موجب تغییرات اساسی در جنگ و عملیات نظامی و بالطبع ایجاد دگرگونی‌هایی در منطقه خاورمیانه شود، از این رو بازتاب پیروزی ایران در فاو، در مقایسه با مقاطع پیشین جنگ، تنها با اوضاع پس از فتح خرمشهر قابل مقایسه است.

بازتاب‌های خارجی

نحوه رسانه‌های غربی با پیروزی‌های رزمندگان اسلام همواره یک روند ثابت و منظم داشت. این رسانه‌ها با نزدیک شدن زمان عملیات گسترده سالانه ایران که معمولاً در زمستان هر سال انجام می‌گرفت، اخبار و تحلیل‌های خود را درباره منطقه آینده ارائه می‌دادند و سعی می‌کردند از این طریق ضمن هشیار کردن دشمن، تصمیم‌گیرندگان نظامی و سیاسی ایران را دچار تزلزل و تردید کنند.

با آغاز عملیات و کسب موفقیت‌های اولیه، فعالیت رسانه‌ها بر ضعیف و کم اهمیت جلوه دادن پیروزی‌های ایران معطوف می‌شد، در نبرد فاو، تا یک هفته پس از شروع عملیات، فرماندهان نظامی عراق و نیز کارشناسان و ناظران سیاسی - نظامی غرب درباره ایران در حفظ و تثبیت منطقه تصرف شده ابراز تردید می‌کردند؛ چنانچه روزنامه لندن نوشت:

«آن‌ها قبلاً نیز به پیروزی کوتاه مدتی دست یافته‌اند، لیکن تاکنون ثابت شده که توانایی حفظ آن و اجرای عملیات طولانی با تمام ویژگی‌های لجستیکی را که لازمه آن است، ندارند.»

راديو آمریکا نیز در تاريخ ۶۴/۱۱/۲۵ نظريه فوق را به نقل از خبرنگار صدای آمریکا به گونه‌ای دیگر مطرح کرد: «حملات تهاجمی ایران نشان می‌دهد که ایران در هیچ یک از پیکارهای گذشته‌اش پیروزی قابل ملاحظه‌ای به دست نیاورده است.»

در این باره، سفیر عراق در ژاپن در مصاحبه به روزنامه یومیوری گفت: «این بار هم مثل گذشته از هم پاشیدن و در هم کوبیدن نیروهای ایرانی به چند ساعت وقت احتیاج دارد و بس.»

اما یک هفته بعد از پیروی ایران و مقاومت نیروهای جمهوری اسلامی در برابر پاتک‌های وسیع دشمن و ناتوانی عراق در عقب راندن رزمندگان اسلام، به تدریج لحن رسانه‌های تبلیغاتی قدرت‌های بزرگ نیز تغییر کرد. نبرد والفجر اوضاع سیاسی منطقه را دچار دگرگونی شدید ساخت و وسایل تبلیغاتی جهان را مجبور کرد تا با حساسیت بیشتری مسایل ناشی از پیروزی‌های ایران را دنبال کنند.

به همین جهت از این پس شاهد توجیه علل ناتوانی عراق در بازپس‌گیری فاو و موکول کردن آن به تغییر اوضاع جوی هستیم.

«آنتونی کردزمن» یکی از کارشناسان امور خاورمیانه‌ای آمریکا در جنگ تحمیلی، معضل اصلی عراق را در فاو چنین بیان می‌کند: «مشکل اصلی عراق آن است که نمی‌خواهد متحمل تلفات شود، در صورتی که ایران به خصوص در حمله اولیه آمادگی پذیرش تلفات سنگین را دارد. از جمله مشکلات هر جنگ آن است که نمی‌توان بدون تحمل تلفات دست به ضد حمله زد. معمولاً تلفات در ضد حمله پنج تا ده برابر آن در حالت تدافعی است. عراق ترجیح می‌دهد به جای تحمل تلفات سنگین، بخش‌های کوچکی از خاک خود را از دست بدهد.»

روزنامه واشنگتن پست نیز نظریات کردزمن را به گونه‌ای دیگر بیان کرده است: «بزرگ‌ترین مشکل عراقی‌ها، اجتناب آن‌ها از متعهد ساختن پیاده نظام خود به دفع حملات ایران است. آنها به جای این امر، استفاده از آتش توپخانه، بمباران جت‌های جنگنده و آتش راکت هلی‌کوپترهای جنگی را انتخاب کرده‌اند. چنین جنگ‌هایی احتیاج به انگیزه شدید و تعهد کامل سربازان دارد که به نظر کارشناسان، در ارتش عراق نقصان آن مشهود است. بنابر اظهار یکی از تحلیلگران نظامی، مجموعه‌ای از ملاحظات سیاسی در عراق به فرماندهی نظامی فشار وارد می‌کند و عمده تصمیم بر آن است که از دادن تلفات زیادی که باعث نارضایتی‌های سیاسی داخلی شود، اجتناب گردد.» عراق در منطقه فاو به لحاظ غافل‌گیری در مکان و تاکتیک، در برابر رزمندگان اسلام دچار انفعال شد، لذا به رغم تلاش‌هایی که انجام داد، نتوانست در عقب راندن رزمندگان اسلام موفقیتی کسب کند.

اعتراف به شکست

با گذشت زمان و تثبیت موقعیت‌های خودی در منطقه و به دنبال گزارش‌های رسانه‌های غربی، سخن فرماندهان و مسئولان عراق نیز رفته رفته تغییر کرد. توانایی جمهوری اسلامی در پشتیبانی رزمندگان و پشتیبانی هوایی منطقه عملیات و تامین آتش پشتیبانی، سرانجام عراقی‌ها را که ابتدا حتی حضور رزمندگان اسلام در منطقه فاو را تکذیب می‌کردند، مجبور ساخت تا ضمن اعتراف به شکست در این نبرد، بازپس‌گیری آن را بسیار مشکل و دور از دسترس قلمداد کنند. در اوضاع جدید، عراقی‌ها دیگر قادر به انکار حضور رزمندگان اسلام در منطقه فاو نبودند، تا آنجا که «لطیف جاسم» وزیر اطلاعات عراق در مصاحبه «القبس» گفت: «مساله تصرف منطقه فاو از سوی ایرانیان به حدی آشکار بود که دیگر نمی‌توانستیم آن را منکر شویم و برای ما ممکن نبود که اعلام کنیم ایران وارد فاو نشده است.»

عراقی‌ها به ناتوانی خود برای بازپس‌گیری فاو نیز اعتراف نمودند: «عدنان خیرالله» وزیر دفاع وقت عراق در مصاحبه‌ای اعلام کرد: «باز پس گرفتن شبه جزیره فاو از دست ایرانیان دشوار است. وجود باتلاق‌ها و نمک‌زارها در این سرزمین، مانع اصلی عملکرد واحدهای عراقی هستند.» «ماهر عبدالرشید» نیز در این باره گفت: «فکر نمی‌کنم به این زودی‌ها عراق بتواند در پس گرفتن فاو کسب موفقیت سریعی را پیش‌بینی بنماید.» در عین حال که عراق در آن وضعیت برای بازپس‌گیری فاو توانایی نداشت، لیکن به لحاظ ارزش منطقه تصرف شده، به این مساله واقف بود که تنها بازپس گرفتن فاو می‌تواند مجدداً توان را به سود عراق بازگرداند. خبرنگار رادیو بی بی سی اهمیت فاو برای عراق می‌گوید: «بازپس‌گیری شبه جزیره فاو هنوز برای عراق یک اولویت کلی است و اگر عراق نتواند فاو را بگیرد، ممکن است روحیه معنوی و موقعیت صدام به طور خطرناکی از بین برود.»

بدین ترتیب، عراق به ناچار و از موضع ضعف موقتاً از بازپس‌گیری فاو چشم پوشید و این مساله را به زمان دیگری موکول و رسماً اعلام کرد که در موقعیت فعلی قادر به بازپس‌گیری فاو نیست. اعترافات رسمی عراقی‌ها و توقف اقدامات عملی آن‌ها موجب گردید رود تحولات سیاسی - نظامی جنگ مورد ارزیابی مجدد قرار گیرد. در واقع تا پیش از این به تثبیت منطقه تصرف شده در دست نیروهای ایران با تردید نظر می‌شد و به توانایی عراق برای بازپس‌گیری آن امیدواری زیادی وجود داشت، لیکن اعتراف عراق به این ناتوانی، انعکاس نامطلوبی به زیان عراق داشت. رادیو آمریکا به نقل از ناظران سیاسی غرب در این باره گفت: «عراق ظاهراً تصمیم گرفته است که کوشش‌های خود برای بازپس‌گیری فاو، به خاطر تحمل بهای

گزارش نظامی - سیاسی، دست بکشد.» هفته‌نامه «لوموند» چاپ فرانسه نیز در تحلیلی نوشت: «در ستاد ارتش عراق پذیرفته شده که بازپس‌گیری فاو طولانی و پرهزینه خواهد بود.»

توجه به برتری نظامی رزمندگان اسلام

با تثبیت موفقیت‌های رزمندگان اسلام در منطقه عملیاتی فاو، طی دو ماه و نیم جنگ و مقاومت با اکثر یگان‌های ارتش عراق و زبده‌ترین آن‌ها، موقعیت برتر نظامی جمهوری اسلامی مورد تایید جهان قرار گرفت. قبل از فتح فاو، در عین حال که به دلیل تهاجم‌های پی در پی رزمندگان ابتکار عمل در دست ایران بود، اما عدم تثبیت مناطق تصرف شده موجب گردیده بود که از نظر نظامی چنین ارزیابی شود که عراق به دلیل برتری هوایی، آتش توپخانه لجستیک در اتخاذ مواضع دفاعی موفق بوده و توانسته است کنترل اوضاع را در اختیار داشته باشد، اما تصرف فاو و ناتوانی عراق در بازپس‌گیری، نقطه پایانی بر تاکیدات پیشین مبنی بر توانایی نظامی عراق بود. یک هفته‌نامه نظامی در این زمینه نوشت: «تا پیش از حمله ایران به بندر متروکه فاو، چنین تصور می‌شد که عراقی‌ها کنترل اوضاع نظامی را در دست دارند.»

خبرگزاری یونایتدپرس نیز به نقل از منابع اطلاعاتی خبری گفت: «تهاجم ایران به فاو بزرگترین مشکل نظامی عراق در سال جنگ است. همچنین خبرگزاری رویتر به نقل از دیپلمات‌ها گزارش داد: «موفقیت‌های اخیر ایران به تصویر توفیق نظامی عراق که به دقت رسم شده بود، آسیب رسانده است. تغییرات نظامی بیشتر به زیان عراق، می‌تواند به حکومت بغداد لطمه وارد سازد.»

بنابراین، علاوه بر آن که فتح فاو موقعیت نظامی عراق را تضعیف و متزلزل کرد، متقابلاً موجب توجه جدی قدرت‌ها خارجی به برتری نظامی رزمندگان اسلام شد. خبرگزاری رویتر به نقل از کارشناسان سیاسی و نظامی در خلیج فارس، اعلام کرد: «حملات موفقیت‌آمیز ایران به عراق برای اولین بار به ایران امتیاز نظامی بخشیده است و می‌تواند نقطه عطفی در تاریخ جنگ پنج و نیم ساله خلیج فارس باشد.»

<http://www.sajed.ir/cat/3684>

شهادی مرتبط با یادمان اروندرود (والفجر ۸)

در این عملیات سه تن از سرداران سپاه به نام‌های رضا امانی، محمد اثری نژاد و رضا چراغی به شهادت رسیدند.

برگرفته از کتاب سرزمین مقدس، ص ۲۴۹

سوژه های سخن

۱. اروند سرزمین مردان خدایی

فلسفه ی "هل من ناصر ینصرنی" حسین را میدانی؟ لیک به "هل من ناصر" حسین، لیک به یک جریان است! جریانی که در هر مکان و هر لحظه جاریست! جریانی که در هر مکان و هر زمان "ناصر" میطلبد! "هل من ناصر ینصرنی" یعنی در هر زمان و مکان حقیقت که باید به آن لیک گویی و باطلیست که باید از آن پرهیزنمایی! کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا در کنار "هل من ناصر ینصرنی" تفسیر می شود. اروند جایی است که شهدا به هل من ناصر امامشان لیک گفتند. آنهمه سختی و خطر را به جان خریدند تا محبوب خدا شوند. اینجا حج حسینیان زمان کامل می شود. آنان به جای برگشتن بر دور کعبه به ندای حق لیک گفتند و در کربلا همچون ستارگان در طواف خورشید بر گرد امام عشق طواف کردند. با آب اروند غسل احرام کردند...

شب عملیات گردان خط شکن غواصی به لب اروند رود میرسه. یکی از بچه ها سر طناب راهنما رو میگیره و از اروند رد میشه و اونور رودخونه نصب میکنه. بچه های غواص در حالی که یه دستشون رو به طناب گرفتند یکی یکی به ستون به دل آب میزنند..... بدنشون در آب اروند و بالا سرشون آتیش کور دشمن و گلوله های رسام. وسط های رودخونه تیر و ترکش آتیش بعثی ها به بدن بچه های غواص می نشست. یه عده که زخمی میشدند و میدیدند که نمیتونن ادامه بدن و وجودشون باعث توقف حرکت پشت سریشونه صحنه ای عجیب رو به نمایش می گذارند!! آرام طناب رو ول میکردند و خودشونو به امواج اروند میسپردند. بچه ها هم با حسرت نگاه میکردند و ناله ها و گریه هاشون رو خفه میکردند. کوچکتترین صدا با عث لو رفتن حرکت گردان و قتل عام همه بچه ها در آب می شد و به لو رفتن عملیات منتهی می شد. اینجا بود که درناکترین صحنه های جنگ تحمیلی رخ داد. با تمام این دردها و ایثارها ما بقی گردان به اونطرف رودخونه می رسید^۱

۲. توسل به اهل بیت

^۱ خاطرات اروند

توسل به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام انسان را در درگاه خداوند بزرگ، آبرومند می سازد و باعث تقرب انسان به پروردگار متعال می شود. به همین جهت در بعضی از ادعیه و مناجات، از خداوند درخواست می کنیم به خاطر توسل به اهل بیت علیهم السلام ما را در درگاه خود آبرومند نموده و از مقام قرب خود بهره مند فرماید.

مردان بزرگ حتی برای کشف مجهولات و پی بردن به مسائل مشکل علمی دست به توسل می زنند تا در اثر کسب فیوضات معنوی از خاندان وحی، گره از مشکلات علمی خود بکشایند.

"قاسم سلیمانی فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله، غواصان بسیجی رو تو اون سرما، کنار آب اروند جمع می کنه، به بچه های غواص می گه: این آب رو می بینید، این آب مهریه فاطمه زهراست؛ خدا رو به حق مهریه حضرت فاطمه قسم بدید که امشب از این آب بگذرید و دل امام رو شاد کنید"^۲

۳. تجلی عشق به ولایت

اشخاص زیادی ادعای پیروی، همراهی و محبت به اهل بیت علیهم السلام را دارند اما مشقات و سختی های فراوان راه ولایت عده ای را از ادامه دادن سیر در این راه منصرف می سازد. عده ی کمی هم هستند که تحت هر شرایطی از پیروی اهل بیت علیهم السلام دست بر نمی دارند. در عملیات والفجر ۸ و کنار اروند میشد تجلی عشق به ولایت در بین رزمندگان را دید. یکی از رزمندگان نقل میکند که: یک شب قبل از عملیات والفجر ۸ بود. یک شب عجیب و به یاد ماندنی بود و اون لحظات و صحنه هایی که دیدم در هیچ جای تاریخ به غیر از حادثه کربلا دیگر ندیدم و نشنیدم. در منطقه اروند کنار بودیم در یکی از خانه های روستا در یک اتاقی که حالا دیگه خونه نبود و با وجود اون همه گونی های پر از خاک اون سنگر رزمندگان شده بود. شب بود و در اتاق زیر نور فانوس در حال نوشتن وصیتم بودم، بعد از لحظاتی نجوای بچه ها و صدای گرم حاج صادق آهنگران که از طریق یک واکمن کوچک پخش میشد توجه منو به خودشون جلب کردند. شعر حاج صادق این بود: نموده خاموش عزیز زهرا، چراغ خیمه اش را در شب عاشورا، به یاران فرمود شب است و تاریک، شبانه هر که میخواهد رود زین صحرا. آری صدای حسین بن علی به اروند کنار و بچه های گردان کربلا رسید و آنها با اشک و گریه همان چیزی را گفتند که زهیر به امامش گفت که ای حسین اگر من فردا کشته شوم و مرا قطعه قطعه کنند و بسوزانند و خاکستر مرا به باد دهند و دوباره زنده شوم تا صدبار این کار را بکنند هرگز از یاری تو دست بر نمیدارم. گروهان

^۲ پایی که جا ماند صفحه ۳۷۶

مکه آن شب کربلایی بود و ندای یا لیتنی کنت معک سر میداد . عده ای و صیتنامه مینوشتند ، عده ای در حجله شهادت حنا به دست و پایشان میزدند و عده ای زیارت عاشورا.....^۳

۴. عشق به شهادت

شهید زین الدین چنین وصیت کرده که: اولین شرط لازم برای پاسداری از اسلام اعتقاد داشتن به امام حسین است

هیچ کس نمیتواند پاسداری از اسلام کند در حالی که ایمان و یقین به اباعبدالله الحسین(ع) نداشته باشد. اگر امروز مادر صحنه های پیکار می رزمیم و اگر امروز ما پاسدار انقلابمان هستیم و اگر امروز پاسدار خون شهدا هستیم و اگر مشیت الهی بر این قرار گرفته که به دست شما رزمندگان و ملت ایران اسلام در جهان پیاده شود و زمینه ظهور حضرت امام زمان(عج) فراهم گردد به واسطه عشق علاقه و محبت به امام حسین(ع) است من تکلیف میکنم شما رزمندگان را به وظیفه عمل کردن و جسین وار زندگی کردن در زمان غیبت کبری به کسی منتظر گفته میشود و کسی میتواند زندگی کند که منتظر باشد منتظر شهادت منتظر ظهور امام زمان خداوند امروز از ما همت اراده و شهادت طلبی میخواهد. اوج این شهادت طلبی و شوق به شهید شدن را در عملیات والفجر ۸ کنار اروند میشد مشاهده کرد.

نزدیک عملیات بود . فرمانده لشکر آند بازدید نیروها. نوجوانی را دید که لباس غواصی برایش بزرگ بود. گفت تو بمان و بعدا برو آن طرف اروند. نوجوان ناراحت شد و هر چه اصرار کرد فرماده قبول نکرد. نمیتوانست قبول کند که نوجوان بین خط شکن ها باشد. زد زیر گریه و دستانش را به فرمانده نشان داد و گفت ببین من محصل نیستم ، شهری هم نیستم من با این دستها کار کرده ام ، بیل زده ام و میتوانم بجنگم. من میخواهم بروم تا شهید بشم . به عشق شهادت آمده ام. فرمانده هم زد زیر گریه و نوجوان رو بغل کرد و قبول کرد تا او هم خط شکن باشد.^۴

۵. توکل بر خدا

در بسیاری از آیات قرآن مجید و روایات اسلامی و سرگذشت انبیاء و اولیاء و صالحان و در کتب علمای اخلاق و ارباب سیر و سلوک روی مساله توکل به عنوان یک فضیلت مهم اخلاقی که بدون آن نمی توان به مقام قرب الهی رسید، یاد شده است.

^۳ خاطرات اروند
^۴ نبرد فاو ص ۵۴

منظور از توکل سپردن کارها به خدا، و اعتماد بر لطف اوست، زیرا «توکل» از ماده «وکالت» به معنی انتخاب و کیل نمودن و اعتماد بر دیگری کردن است، بدیهی است هر قدر و کیل توانایی بیشتر و آگاهی فزون تر داشته باشد شخص موکل احساس آرامش بیشتری می کند، و از آنجا که علم خدا بی پایان و توانایش نامحدود است هنگامی که انسان توکل بر او می کند آرامش فوق العاده احساس می کند، در برابر مشکلات و حوادث مقاوم می شود، و از دشمنان نیرومند و خطرناک نمی هراسد، در سختیها خود را در بن بست نمی بیند و پیوسته راه خود را به سوی هدف ادامه می دهد. انسانی که بر خدا توکل دارد هرگز احساس حقارت و ضعف نمی کند بلکه به اتکای لطف خدا و علم و قدرت بی پایان او خود را پیروز و فاتح می بیند و حتی شکست های مقطعی او را مایوس نمی سازد. هرگاه توکل به مفهوم صحیح کلمه در جان انسان پیاده شود به یقین امید آفرین، نیروبخش و باعث تقویت اراده و تحکیم مقاومت و پایداری است. منطقه والفجر و اروند جایی بود که رزمندگان با توکل به خدا موفق شدند خواستن و توانستن را به رخ دشمن بکشند. ارتش عراق نه در ابتدای جنگ و نه روزهای محاصره آبادان از اروند عبور نکرد. دشمن می توانست در محاصره آبادان با عبور از اروند محاصره را تنگتر کند. روزهایی که ایرانیان محاصره خرمشهر را تنگتر کرده بودند ارتش عراق می توانست با عبور از اروند محاصره را بشکند ولی این کار را نکردند. آنها حتی روزهایی که ایران در اوج بی امکاناتی بود آنها از اروند عبور نکردند. ولی رزمندگان با توکل بر خدا از این رود وحشی که به گفته کارشناسان امکان نداشت گذر کردند و به جاهان ثابت کردند که با توکل بر خدا کارهای نشدنی را میشود انجام داد.

نمونه روایتگری

راوی: حجت الاسلام و المسلمین دیانی

فیدل کاسترو وقتی او مد این منطقه میگه به من بگید شما چه جوری از این اروند گذشتید؟ بچه ها ما که نمیتونیم به فیدر کاسترو بگین بچه های ما با یازهرا و یامهدی عج از اینجا عبور کردند چون اون زهرشناس نبود مهدی شناس نبود. اما برای شمامی تونیم بگیم. حاج مرتضی قربانی میگه وقتی شب عملیات بچه ها می خواستند برن اون ور اروند این فانوسقه ها شونو با سیم های تلفن محکم به هم بسته بودن. ۶ماه اینها تو آب های روان آموزش دیده بودند از بس که تو آبها رفته بودند. اینها مریض شده بودند کلیه هاشون درد گرفته بود. اگر هم تیر می خوردن یا خمپاره می اومد تو آب می خورد، نباید صداشون در می اومد که نکنه بقیه لو برن.

حاج مرتضی قربانی می‌گه وقتی یکی از این بچه‌ها که سیم تلفن دور خودش بسته بود دیدم یه تیکه سیم خیلی زیاد اومده بود ازش آویزون بود اومدم با سیم چین بقیه اش رو بچینم. قسمم داد که حاج مرتضی تورو خدا نچین سیم رو. گفتم گفت پس بگو برا چی اویزونه این سیم

گفت حاج مرتضی من ۶ ماه آموزش غواصی دیدم امشب که شب عملیاته ارونند خیلی طوفانی شده میخوام وقتی گیر کردیم صاحبمون بیاد سر سیم را بگیره مارو بکشه اونور آب

حاج مرتضی میگه به خدا اومد صاحبمون اولین کسی صداش پیچید تو بیسیم همین بسیجی بود گشفت حاجی ما رسیدیم اونور آب همه سالم رسیده بودند

بچه‌ها این همه راه اومدید چی ببینید نخل سوخته دیدن داره؟ آب ارونند که از فرات می‌یاد گل آلود دیدن داره؟ نه ارونند میخوادئ بگه بچه‌های ایران این آب به خون مقدس بچه‌های خمینی مخلوط شده من شاهد بودم کیا اومدن توی این آب.

روایتگری اروند

راوی حجت الاسلام والمسلمین دانش

در روایتگری دوستان راوی باید سعی و تلاش کنند که خود شهدا را به مخاطب بشناسند

اگر زائری پا به سر زمین مقدس میگذارد نباید زاوی منطقه جغرافیایی و شناخت و فهماندن عملیات پیرازد همه اینها به جای خود ولی بدانید که رسالت دیگری از شهدا به دوش ماست

سر مزار شهید ی وصیت نامه اش را گذاشته بودن دیدم این شهید در وصیت خود گفته است من در روز قیامت شکایت خواهم کرد از کسانی که برای این مردم و جوانان بگویند که ما چگونه زندگی کردیم و چگونه به شهادت رسیدیم اما نگویند که برای چه زندگی کردیم و برای چه به شهادت رسیدیم

ذهنیت کسانی ککه عموماً به این مکان مقدس می آیند به تابلوهیی که برخورد می کنند: شهدا رفتند. پدریغ از فراموشی لاله ها - شهدا فراموش شدند- از دست رفتند - ما امروز غریبیم - رهبر ما غریبه - و.... که یک موج مایوس کننده و نا امیئ کننده ای حاکم است که این با روحیه شهید و شهادت و روحیه مبارزه و مقاومت که به دستور امام راحل است متضاد است

چند جمله ای از حضرت سید روح الله بیان میکنم خدمت عزیزان فرمودند: در آینده ممکن ایت افرادی آگاهانه یا از روی ناآگاهی در میان مردم این مسئله را مطرح کنند که ثمره خون ها شهادت ها و ایثارها چه شد؟ از همین شبهات که خیلی ها میگویند .

حضرت آقا فرمودند: شهدا مظلومند ولی مظلوم مقتدر - امام در ادامه فرمودند امروز روز هدایت نسلهای آینده است کمربندتان را ببندید که هیچ چیز تغییر نکرده است

و در ادامه فرمودند : مادر مقابل خداوند خاضع ایم وبه همین دلیل زبر بار ذلت نمی رویم و از شهادت هراسی نداریم.

امام فرمودند: جنگ ما جنگ عقیده است جغرافیا و مرز نمیشناسد ما میخواهیم پرچم لا اله الا الله را بر قله کرامت به احتزار بیاوریم.

خاطرات

۱- شجاعت. شهید احمد رضا اسماعیل زاده، شهادت: ام الرصاص، عملیات والفجر ۸

تیربار دشمن، امان رزمنده‌ها را بریده بود. هر کس داخل کانال می‌رفت، هدف قرار می‌گرفت و شهید می‌شد. بچه‌ها زمین گیر شده بودند. تا آن تیربار آن‌جا بود نمی‌شد کاری کرد. اگر رزمنده‌ها پیشروی نمی‌کردند، عملیات با مشکل مواجه می‌شد. شرایط، حساس بود

احمدرضا اسماعیل زاده، رو کرد به من و گفت: به نظرت خون دل خوردن آسان‌تر است یا خون دادن؟ ماندم چه بگویم. وسط این اوضاع، منظورش چه بود، خدا می‌دانست

خودش ادامه داد: به نظر من، خون دادن، آسان‌تر از خون دل خوردن است. الان اگر نتوانیم کاری کنیم، در آینده باید بنشینیم و خون دل بخوریم

این را گفت، از جا برخاست و چند نارنجک را با خود برد. احمد که رفت، تیربار دشمن برای همیشه خاموش شد. حالا گره کار باز شده بود، هر چند خودش تا مدت‌ها نتوانست برگردد. پیکر پاکش میهمان ام‌الرصاص شد.^۵

۵ قربانی، مهدی، چهل حماسه، مؤسسه روایت سیره شهدا، قم، مشق، ۱۳۹۱، ص ۱۲، برگرفته از فلاحی راد، اشرف، گامی به آسمان، ص ۱۶

۲- تلاش و ایثار (شهید محمد جان محمد، شهادت فاو عملیات والفجر ۸)

به خاطر سن و سال کم و جثه کوچکش او را جزو نیروهای ذخیره نگه داشته بودیم. در مواقعی که خطر جدی بود افراد دیگری را برای احداث خاکریز به خط می فرستادیم. وضعیت فاو طوری بود که رزمندگان نیاز شدید به خاکریز داشتند. نیروهایی که اعزام کرده بودیم، کافی نبودند. محمد وقتی فهمید آن قدر اصرار کرد تا با رفتنش موافقت کردم. روی بولدوزر که نشست دیگر توجهی به آتش دشمن نداشت. تیرهای مستقیم دشمن به طرف او روانه شده بود. محمد نمی خواست کارش نیمه تمام بماند. نیمه تمام ماندن خاکریز یعنی شهادت یا مجروحیت تعدادی از رزمندگان. ترکش هایی بر بدنش نشست، اما به کار خودش ادامه داد. کار خاکریز به انتها رسیده بود که محمد جان محمدی، جان به جان آفرین تسلیم کرد. بعضی از خبرنگارها شاهد حماسه این نوجوان غیور روستایی بودند. فردای آن روز، روزنامه های کثیرالانتشار، این تیر را انتخاب کرده بود: بودند یک نوجوان بسیجی، زیر آتش شدید دشمن، برای همزمانش خاکریز ساخت و خود به شهادت رسید.^۶

۶ قربانی، مهدی، چهل حماسه، مؤسسه روایت سیره شهدا، قم، مشق، ۱۳۹۱، ص ۵۶. به روایت مهندس حیدری از همزمان شهید در مصاحبه با نگارنده.

۳- ایثار (شهید مهدی ماه‌پیشانیان، شهادت: فاو، ۱۳۶۵/۲/۹ ، عملیات صاحب‌الزمان عجل‌الله‌فرجه)

شب عملیات صاحب‌الزمان (عج) بود. با رعایت سکوت به طرف دشمن راه افتادیم. با استفاده از تاریکی شب باید خود را تا نزدیکی خاکریز عراقی‌ها می‌رساندیم. این عملیات هم مثل هر عملیاتی باید با رعایت نکات امنیتی و حفاظتی انجام می‌گرفت. کافی بود دشمن متوجه کمترین تحرکی بشود. آن وقت تمام منطقه را زیر آتش می‌گرفت و نه تنها عملیات شکست می‌خورد بلکه تعداد زیادی از رزمندگان به شهادت می‌رسیدند. به میدان مین رسیدیم. از قبل معبری باز شده بود. آهسته از وسط میدان مین عبور می‌کردیم که پای یکی از رزمندگان به سیمی گیر کرد و باعث شد مین منور به حالت انفجار در بیاید. از این اتفاق به شدت بیمناک بودیم. انفجار مین منور همه مسیر را روشن می‌کرد و ستون نیروها را در معرض دید دشمن قرار می‌داد. مهدی ماه‌پیشانیان جوان هجده ساله اصفهانی بود. بی‌معطلی خودش را روی مین انداخت. حرارت مین بدنش را سوزاند و ذره ذره ذوب کرد. او با شهادتش مانع از آن شد که عملیات لو برود.^۷

^۷ مرتضی جمشیدیان، خودشکنان، راوی: اکبر فخاری، ص ۸۳ و ۸۴.

۴- پرچم یا مهدی عجل الله فرجه ادراکنی

یکی از رزمندگان عملیات والفجر ۸ می گوید: در شب عملیات موجی که بر اروندرود حرکت داشت، مرتفع بود. حرکت غواصان دریادل همزمان با قرائت آیه **﴿وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًا...﴾** ۸ آغاز شد و دعای امام امت و امت شهیدپرور بدرقه جهادشان بود. بچه‌های غواص تخریب، ریسمانی را به تعداد نفرات گره زدند تا از هم متفرق نشوند و هر کدام یک گره را در اختیار داشتند و گره جلویی به پرچم مبارک آقا امام زمان عجل الله فرجه که بر روی آن نوشته شده بود «یا مهدی ادراکنی» تعلق داشت. ۹

۵- بیرق رضوی

شب بیستم بهمن ۱۳۶۴ از راه رسید. اروند هشیارتر از همیشه، با دیدن این همه طعمه به شوق می آمد. هم زمان با غروب آفتاب، غواص‌ها به نهرها نزدیک شدند. سه هزار غواص در زیر نخلستان نمازشان را خواندند. سپس آرام در آغوش هم فرو رفتند و خداحافظی کردند. فرماندهان اصلی عملیات، غواص‌ها را از زیر قرآن گذراندند و آن‌ها پا به درون آب نهرها گذاشتند و در یک ستون پیش رفتند. دقایقی بعد، اروند در پیش روی آن‌ها بود. آن‌ها باید از دریای آب می گذشتند و خود را به آن سو می رساندند. مرتضی قربانی فرمانده لشکر ۲۵ کربلا در سنگر خود به فکر فرو رفته بود. سنگر در این لحظات کمی شلوغ شده بود. در همین حال، یکی از راه رسید و مستقیم وارد سنگر شد. با عجله نزد مرتضی قربانی رفت و بسته‌ای به او داد. مرتضی بسته را گرفت. تازه وارد گفت: این را آقا محسن - فرمانده وقت سپاه - داد تا به شما برسانم.

مرتضی با آرامش مشغول باز کردن بسته شد. در همین حال، بوی معطری در فضای سنگر پیچید. همه توجه‌شان به بسته جلب شد تا ببینند داخل آن بسته چیست. فرمانده لشکر پرچم سبز رنگی را از داخل آن بیرون کشید. همه دور پرچم حلقه زدند و آن را روی زمین سنگر پهن کردند. مرتضی داخل بسته را نگاه کرد. متوجه نامه فرمانده سپاه شد. آن را باز کرد: این پرچم، پرچم گنبد امام رضا علیه السلام است. این امانت به دست شما سپرده می شود تا برفراز بلندترین مناره شهر فاو نصب کنید.

مرتضی قربانی در حالی که منقلب شده و اشک در چشمانش حلقه زده بود، برای حاضرین ماجرا را توضیح داد. بعد پرچم را به دست یک رزمنده روحانی داد تا صبح روز بعد آن را در شهر فاو به اهتزاز درآورد.

۸. سوره یس، آیه ۹.

۹. سفرنامه عشق، محسن نصری، ص ۶۱.

دیگران که تازه متوجه اصل ماجرا شده بودند، گریه کنان دست به پرچم کشیدند و سر و صورت خود را
متبرک کردند







پایگاه جامع راویان کشور
معاونت پژوهش و مطالعات راهبردی
موسسه روایت سیره شهدا

آدرس موسسه: قم، خیابان هنرستان، فلکه بسیج خیابان
حجه الاسلام والمسلمین ایرانی، نبش کوچه ۴
کد پستی: ۳۷۱۵۹۵۶۳۹۴
تلفن: ۰۲۵۳۷۱۰۵

ravayatgar.net

